

اللہ کے  
صنعمی  
قریش



وہابی صنعمی قریش  
واختبارکن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# دعای صنمی قریش و اعتبار آن

نویسنده:

حیدر تربتی کربلایی

ناشر چاپی:

عطر عترت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	دعای صنمی قریش و اعتبار آن
۷	مشخصات کتاب
۷	دعای صنمی قریش و اعتبار آن
۸	پیشگفتار: تبزی و لعن از دیدگاه قرآن و عترت
۱۷	بخش اول: وجوب برائت...
۱۷	بیزاری از دشمنان اهل بیت(علیهم السلام) بخشی از توحید است
۱۹	ابوبکر و عمر کافرند و...
۲۰	ولی معصوم امر به بیزاری جستن از آن دو می کند
۲۱	کوتاهی در لعن دشمنان اهل بیت(علیهم السلام)، موجب لعنت خداست
۲۲	جبت و طاغوت، چه کسانی هستند؟
۲۴	ابوبکر و عمر و عثمان یعنی: مظاهر و اساس و ... کفر، فسوق، عصیان، فحشاء، منکر، بغي و آنچه حرام است
۲۷	آزاردهندگان فاطمه، آزاردهندگان خدا و رسول اند
۲۸	لعنت خدا بر آزار دهندگان خدا و رسول
۲۹	اعتراف عمر به جنایات...
۳۴	نفرین حضرت فاطمه علیها السلام
۳۶	بخش دوم: وجوه اعتبار دعای صنمی قریش
۳۶	اشاره
۳۸	منابع دعای شریف صنمی قریش
۳۸	مولف کتاب «شرح الولاء فی شرح الدعاء»
۳۹	اعتبار و فضیلت دعای شریف صنمی قریش
۴۲	صحیح بودن روایات (سندهای) دعای شریف صنمی قریش
۴۳	شرح های دعای شریف صنمی قریش
۴۶	برخی دیگر از منابع در دسترس دعای شریف صنمی قریش

۶۰	..... دعای امام صادق علیه السلام در تعقیب نماز
۶۹	..... دعای امام رضا علیه السلام در سجده شکر
۷۷	..... بخش سوم: متن تلفیقی دعای صنمی قریش از مولی الموحدین امیرالمؤمنین(ع)
۹۰	..... کتاب نامه
۹۷	..... فهرست مطالب
۹۹	..... درباره مرکز

## دعای صمنی قریش و اعتبار آن

### مشخصات کتاب

سرشناسه: تربتی کربلایی، حیدر، ۱۳۳۸ -

عنوان و نام پدیدآور: دعای صمنی قریش و اعتبار آن / حیدر تربتی کربلایی .

مشخصات نشر: قم: عطر عترة، ۱۳۹۰ .

مشخصات ظاهری: ۹۲ص .

شابک: ۵۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۸۸-۷۲-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: دعای صمنی قریش

شناسه افزوده: تربتی، محدثه، ۱۳۶۸ -

رده بندی کنگره: BP۲۷۰ / ص ۹۰۴۱ ۱۳۰۰ی

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۴۸۸۳۲

این کتاب اهدائی بوده و خرید و فروش آن شرعاً جایز نیست بنابراین بخوانید و ابلاغ رسالت نمایید .

ص: ۱

## دعای صمنی قریش و اعتبار آن

عبد الزهراء (عليها السلام) حيدر

بسم الله الرحمن الرحيم

جهت ترویج فرهنگ اهل بیت و شعائر ولایت حضرات معصومین علیهم السلام و برائت از دشمنان آنان ، در تکثیر این کتاب و برگزاری مجالس قرائت این دعای شریف ، با رعایت موارد تقیه کوشا باشید تا مرهمی بر زخم سینه حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها قرار دهید . این کتاب اهدایی بوده و خرید و فروش آن شرعاً جایز نیست .

**پیشگفتار: تبری و لعن از دیدگاه قرآن و عترت**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لعنه الله على أعدائهم أجمعين

«تبری» به معنای بیزارى جستن از دشمنان خدا ، پیامبر و امامان بوده ، بخشی از توحید و اعتقاد به آن واجب ضروری قرآن ، سنت مطهره ، فطرت و عقل است .

اهمیت این موضوع تا جایی است که توحید - که همان پذیرش ولایت است - بدون برائت تحقق نمی یابد . و «لعن» یکی از برترین مظاهر و مصادیق تبری است .

«لعن» در لغت به معنای نفرین کردن و در اصطلاح اسلام به معنای آرزوی دوری از رحمت خدا و نزدیکی عذاب است که در آیات و روایات فراوانی آورده شده است . مثلاً در آیات ذیل ، کافران ، منافقان و آزاردهندگان خدا و پیامبر به طور ویژه مورد لعنت قرار گرفته اند :



«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ مَا تُوا وَ هُمْ كَفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱)» - همانا کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند ، لعنت خدا ، فرشتگان و تمامی مردم بر آنان است .

«وَعِدَ اللَّهُ الْمُتَافِقِينَ وَ الْمُتَافِقَاتِ وَ الْكُفَّارِ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (۲)» - خداوند آتش جهنم را به مردان و زنان نفاق پیشه و کافران ، وعده داده است که در آن جاوید باشند . آتش برای آنان بس است . خداوند آنان را لعنت کرده و عذابی پایدار برای آنان است .

«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا (۳)» - همانا کسانی که خدا و پیامبرش را

۱- (۲) سوره البقره : آیه ۱۶۲ .

۲- (۹) سوره التوبه : آیه ۶۸ .

۳- (۳۳) سوره الأحزاب : آیه ۵۸ .

می آزارند ، خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برای آنان عذابی خوارکننده مهیا ساخته است» .

لعن ، در روایات بسیاری نیز آورده شده است که دعای امام صادق علیه السلام پس از انجام فرائض ، دعای سجده □ شکر از امام رضا علیه السلام و دعای ارزشمند صنمی قریش ، سه مورد از آن ها است .

اما درباره □ دعای صنمی قریش ، برخی گفته اند : دعای صنمی قریش معتبر نیست .

گوییم : هر چند بازار شلوغ است و همه خود را صاحب نظر می دانند ، اما بایسته است که بدانیم گویندگان چنین سخنانی ، بیماردلان کج اندیش و مُنی بدتر از سنی (البته صحیح است گفته شود بگری ، عمری ، عثمانی ، اموی ، ابوسفیانی ، یزیدی و ناصبی و اهل بدعت و ... ) هستند که جز شمشیر کج حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف ، آنان را راست نمی کند زیرا به

هرچه در راستای تلقین ، تأیید و تحکیم ولایت آل محمد صلی الله علیهم و برائت از دشمنان آنان علیهم لعائن الله باشد ، حمله ور شده و با القای شبهه می خواهند نور خدا را خاموش کنند ، غافل از آنکه خداوند نور خویش را تمام خواهد نمود گرچه کافران را ناخوش آید .

این مختصر - که شامل سه بخش : وجوب برائت و مسائل مربوط به آن که دانستن آنها بر هر مسلمانی واجب است ، وجوه اعتبار دعای صنمی قریش ، و بالاخره متن تلفیقی دعای صنمی قریش است - جهت اتمام حجّت و ارتقای سطح آگاهی موالیان حقیقی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ، عرضه می شود . امید است مورد پذیرش امام غریب زمان ولیّ الله الأعظم حجّه بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد .

اما درباره تبری ، باید نکاتی را مدّ نظر داشته باشیم . نخست باید حق و اهل آن و باطل و اهل آن را به خوبی بشناسیم تا

بدانیم چرا از فرد یا گروه خاصی بیزاری می جوئیم .

وهم چنان که برای شناسایی باطل و اهلش ، به سراغ قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می روئیم ، باید چگونگی اظهار تبری را نیز از آنان بیاموزیم . بنابراین نمی توانیم در این راستا دست به هر اقدامی بزنیم بلکه باید سنت و سیره □ اهل بیت علیهم السلام را مدّ نظر داشته باشیم . و هرگز نباید از ضرورت تقیه در مواضع آن غافل شوئیم زیرا اهل بیت علیهم السلام فرموده اند : «هرکس تقیه نمی کند ، دین ندارد» .

همچنین امام جعفر صادق ( علیه السلام ) به یکی از اصحاب خود به نام معلی بن خنیس فرمودند :

یا مُعَلّی ! اُكْتُمْنَا وَلَا تُدِعْهُ ، فَإِنَّ مَنْ كَتَمَ أَمْرَنَا وَلَمْ يُدِعْهُ ، أَعَزَّهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا ، وَ جَعَلَهُ نُورًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ ، يَقُودُهُ إِلَى الْجَنَّةِ .

یا مُعَلّی ! مَنْ أَدَاعَ حَدِيثَنَا وَ أَمْرَنَا وَ لَمْ يَكْتُمْهُ ، أَدَلَّهُ اللَّهُ بِهِ فِي الدُّنْيَا ، وَ نَزَعَ النُّورَ مِنْ بَيْنِ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ ، وَ جَعَلَهُ ظُلْمَةً

تَقُودُهُ إِلَى النَّارِ .

يَا مُعَلَّى ! إِنَّ التَّقِيَّةَ دِينِي وَ دِينُ آبَائِي ، وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ . يَا مُعَلَّى ! إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي السِّرِّ ، كَمَا يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي الْعَلَانِيَةِ .

يَا مُعَلَّى ! إِنَّ الْمُذْبِحَ لِأَمْرِنَا كَالْجَاهِدِ لَهُ (۱) -

ای معلی ! امر (گفتار و کردار و اسرار) ما اهل بیت را (جز در آنجا که شایسته است) پنهان داشته و فاش نگردان ، زیرا هر کس امر ما را (نزد نااهل) پنهان دارد و فاش نکند ، خداوند او را در دنیا عزیز و گرامی کند و در آخرت آن را نوریدر میان دو چشم او قرار می دهد که او را به دنبال خود به بهشت می برد .

---

۱- بحار الأنوار : جلد ۲ صفحه ۷۳ باب ۱۳ حدیث ۴۱ و جلد ۷۲ صفحه ۴۲۱ باب ۸۷ حدیث ۸۰ از مشکاها الأنوار : صفحه ۴۰ فصل ۱۱ و المحاسن : جلد ۱ صفحه ۲۵۵ باب ۳۱ حدیث ۲۸۶ ، وسائل الشیعه : جلد ۱۶ صفحه ۲۱۰ باب ۲۴ حدیث ۲۱۳۷۹ .

ای معلی ! کسی که سخن و کار ما را (جایی که شایسته نیست) فاش کند و پنهان نکند ، خداوند او را بدان ، در دنیا خوار گرداند ، و در آخرت ، نور میان دو چشمش را بردارد و آن را تاریکی و ظلمتی قرار دهد که او را به سوی آتش می کشاند .

ای معلی ! همانا تقیّه (ابراز نکردن باورها در غیر موضع آن) ، دین من و دین پدران من است . و آن کس که تقیّه نکند ، دین ندارد .

ای معلی ! همانا خداوند دوست دارد در پنهان پرستیده شود ، چنان که دوست دارد آشکارا عبادت شود (ارزش ، پرستش خداوند است . بنابراین اگر اقتضای شرایط ، پرستش خدا در نهان باشد ، خداوند به آن راضی خواهد بود و اهمّیت آن ، کمتر از عبادت آشکارا نیست) .

ای معلی ! همانا آن کس که امر (گفتار و کردار و اسرار) ما را

(در غیر جایگاه آن) فاش می کند ، مانند کسی است که آن را انکار و تکذیب می کند .

شیخ طوسی از ابونصر هبهالله بن محمد نقل می کند که گفت : ابوالحسن بن کبریاء نوبختی ، برای من نقل کرد که به شیخ ابوالقاسم حسین بن روح رضی الله عنه (سومین نائب خاص امام زمان عجل الله فرجه الشریف) خبر رسید که یکی از دربان های شما ، معاویه را لعنت می کند و به وی ناسزا می گوید .

از این رو ، حسین بن روح دستور داد او را رانند و از خدمت عزل کردند . دربان مدّت درازی بیکار بود و خواهش می کرد که او را به کار سابق برگردانند ، ولی به خدا قسم ! حسین بن روح او را دیگر به سر خدمت خود نیاورد ، تا آنکه یکی از بستگان حسین بن روح ، او را استخدام کرد که با وی در جایی کار کند . حسین بن روح ، تمام این کارها را از روی

تقیه انجام می داد . (۱)

بنابراین بایسته است که مواضع تقیه را به خوبی بشناسیم و چنان چه اهل بیت امر کرده اند عمل کنیم تا مبادا سرگرم فرع شویم و اصل را از یاد ببریم که اگر بر اثر تقیه نکردن ما ، به اسلام یا جان ، ناموس یا آبرو و مال مسلمانی آسیبی برسد ، قطعاً مسئول خواهیم بود .

**بخش اول: وجوب برائت...**

**بیزاری از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) بخشی از توحید است**

---

۱- بحار الأنوار : جلد ۵۱ صفحه ۳۵۷ از کتاب الغیبه شیخ طوسی : صفحه ۳۸۴ .





امام محمد باقر ( علیه السلام ) فرمودند : تَصَدِيقُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ تَصَدِيقُ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَوْلَاهُ عَلِيٌّ ( علیه السلام ) وَ الْإِتِّمَامُ بِهِ وَ بِإِيْمَةِ الْهُدَى ( عليهم السلام ) وَ الْبِرَاءَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ هَكَذَا يُعْرِفُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ - (معرفت خدا عبارت است از) : تصدیق خداوند عزوجل ، تصدیق پیامبرش صلی الله علیه و آله ، موالات حضرت علی ( علیه السلام ) ، پذیرفتن امامت او و امامان هدایت ( عليهم السلام ) و بیزاری جستن از دشمنان آنان به درگاه خداوند تعالی . خداوند عزوجل این چنین شناخته می شود . (۱)

### ابوبکر و عمر کافرند و...

امام زین العابدین ( علیه السلام ) درباره ابوبکر و عمر فرمودند : کَافِرَانِ ، کَافِرٌ مَنْ أَحَبَّهُمَا - آن دو کافر بودند و کسی که آن دو را

---

۱- الکافی : جلد ۱ صفحه ۱۸۰ باب معرفه الإمام و الرد إليه . . . حدیث ۱ به سندش از ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر ( علیه السلام ) .

دوست بدارد نیز کافر است . (۱)

و در حدیث دیگری فرمودند : هُمَا أَوَّلُ مَنْ ظَلَمْنَا حَقًّا وَ أَخَذَا مِيرَاثَنَا ، وَ جَلَسَا مَجْلِسًا كُنَّا أَحَقُّ بِهِ مِنْهُمَا ، لَا عَفَرَ اللَّهُ لَهُمَا وَ لَا رَحِمَهُمَا ، كَافِرَانِ ، كَافِرٌ مَنْ تَوَلَّاهُمَا

آن دو نخستین کسانی بودند که به ما درباره حق ما ظلم کردند و ارث ما را به غضب و ناحق تصرف کردند و در جایگاهی نشستند که ما از آن ها نسبت به آن سزاوارتر بودیم . خداوند آنان را نیامرزد ، و آنان را مورد رحمت قرار ندهد . آن دو کافر بودند و کافر است هر کسی که آنان را سرپرست خود برگزیند . (۲)

### ولی معصوم امر به بیزاری جستن از آن دو می کند

- 
- ۱- تقریب المعارف : صفحه ۲۴۴ ، بحار الأنوار : جلد ۳۰ صفحه ۳۸۱ باب ۲۰ و جلد ۶۹ صفحه ۱۷۸ باب ۱۰۱ حدیث ۲۵ ، مستدرک الوسائل : جلد ۱۸ صفحه ۱۷۸ باب ۸ حدیث ۲۲۴۳۸-۱۹ .
- ۲- تقریب المعارف : صفحه ۲۴۴ ، بحار الأنوار : جلد ۳۰ صفحه ۳۸۱ باب ۲۰ و جلد ۶۹ صفحه ۱۷۸ باب ۱۰۱ حدیث ۲۵ ، مستدرک الوسائل : جلد ۱۸ صفحه ۱۷۸ باب ۸ حدیث ۲۲۴۳۹-۲۰ .

امام جعفر صادق ( علیه السلام ) فرمودند : ... ما أُهْرِقَ فِي الْإِسْلَامِ مِنْ دَمٍ وَلَا أُكْتَسِبَ مَالٌ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ وَلَا تُكْحَمَ فَرْجُ حَرَامٍ إِلَّا وَذَلِكَ فِي أَعْنَاقِهِمَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا ، وَنَحْنُ مَعَاشِرَ بَنِي هَاشِمٍ نَأْمُرُ كِبَارَنَا وَصِهْرَانَا بِسَبِّبِهِمَا وَالْبِرَاءَةِ مِنْهُمَا

تا روز قیامت هیچ خونی به ناحق در اسلام ریخته نشود و هیچ مالی نیست که به ناحق به دست آید و هیچ ناموسی به حرام نرود مگر اینکه گناه آن بر گردن آن دو نفر است تا آن هنگام که قائم از ما اهل بیت قیام نماید و ما خاندان بنی هاشم ، بزرگان و کودکان خود را به دشنام دادن و بیزاری جستن از آنان فرمان می دهیم . (۱)

### کوتاهی در لعن دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) ، موجب لعنت خداست

۱- بحار الأنوار : جلد ۴۷ صفحه ۳۲۳ باب ۱۰ حدیث ۱۷ از إختیار معرفه الرجال ، الکشی : صفحه ۲۰۶ حدیث ۳۶۳ به سند خود از امام جعفر صادق ( علیه السلام ) .

امام جواد ( علیه السلام ) فرمودند : رسول الله صلى الله عليه و آله فرمودند : مَنْ تَأْتَمُّ أَنْ يَلْعَنَ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ

لعنت خدا بر آن کس باد که از لعنت کردن کسی که خدا او را لعنت کرده ، روی گرداند . (۱)

### جبت و طاغوت، چه کسانی هستند؟

امام باقر ( علیه السلام ) در تفسیر آیه ی \*... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

کسانی که به وی ایمان آورده اند و او را گرمی داشته و یاری کردند و از نوری که همراه با او نازل شد ، پیروی کردند ، همانان اند رستگاران\* (۲) فرمودند : ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ ، يَعْنِي بِالْإِمَامِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ، يَعْنِي الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الْجَبْتَ وَالطَّاغُوتَ أَنْ

۱- بحار الأنوار : جلد ۲۵ صفحه ۳۱۸ باب ۱۰ حدیث ۸۵ از إختيار معرفة الرجال ، الكشي : صفحه ۵۲۸ حدیث ۱۰۱۲ به سندش از

امام جواد ( علیه السلام ) .

۲- (۷) سورة الأعراف : آیه ۱۵۸ .

يَعْبُدُوهَا ، وَ الْجِبْتُ وَ الطَّاغُوتُ : فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ ، وَ الْعِبَادَةُ طَاعَةُ النَّاسِ لَهُمْ (۱) . . . مقصود خداوند از عبارت «آنان که به او ایمان آوردند» ، امام است و مقصود از گرامی دارندگان و یاری کنندگان و پیروان از نور نازل شده همراه با پیامبر ، کسانی هستند که از پرستش «جبت» و «طاغوت» سرباز زدند و پرهیز نمودند . و همانا «جبت» و «طاغوت» (بارزترین مصادیق کفر) ، فلانی (ابوبکر) و فلانی (عمر) و فلانی (عثمان) هستند و مقصود از پرستش (آنان) ، فرمان برداری مردم از ایشان است . . . .

امام محمد باقر ( علیه السلام ) در تفسیر جبت و طاغوت (دو بت بزرگ) در آیه کریمه : \*أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ\* فرمود : مقصود فلانی (ابوبکر)

---

۱- کتاب شریف «الکافی» جلد ۱ صفحه ۴۲۹ حدیث ۸۳ به سند خود از ابو عبیده حدّاء از امام باقر ( علیه السلام ) .

و فلانی (عمر) می باشد . (۱)

### ابوبکر و عمر و عثمان یعنی: مظاهر و اساس و ... کفر، فسوق، عصیان، فحشاء، منکر، بغی و آنچه حرام است

امام صادق ( علیه السلام ) در تفسیر آیه کریمه \* وَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ \* فرمود : (مراد از) ایمان در این کلام خدای متعال ، امیرالمؤمنین است و (مقصود از) کفر و فسوق و عصیان ، اولی (ابوبکر) و دومی (عمر) و سومی (عثمان) هستند (زیرا بنیان گذار کفر و فساد و عصیان ، آنان بودند) (۲) .

- ۱- بحار الأنوار : جلد ۳۰ صفحه ۱۸۷ باب ۲۰ حدیث ۴۶ از کتاب شریف بصائر الدراجات : جلد ۳۴ باب ۱۶ حدیث ۳ به سند خود از امام محمد باقر ( علیه السلام ) . و در کتاب شریف بشاره المصطفی : صفحه ۱۹۳ نیز مانند آن است .
- ۲- بحار الأنوار : جلد ۲۲ صفحه ۱۲۵ باب ۳۷ حدیث ۹۶ و جلد ۲۳ صفحه ۳۷۹ باب ۲۱ حدیث ۶۷ و تأویل الآیات الظاهره : صفحه ۵۸۵ از کتاب شریف الکافی : جلد ۱ صفحه ۴۲۶ باب فیه نکت و نتف من التنزیل فی الولایه حدیث ۷۱ به سند خود از امام جعفر صادق ( علیه السلام ) . در بحار الأنوار : جلد ۳۰ صفحه ۱۷۱ باب ۲۰ حدیث ۲۸ و جلد ۳۵ صفحه ۳۳۶ باب ۱۳ حدیث ۱ از تفسیر شریف علی بن ابراهیم قمی : جلد ۲ صفحه ۳۱۹ و در کتاب شریف مناقب آل ابی طالب : جلد ۳ صفحه ۹۴ نیز مانند آن آمده است .

امام جعفر صادق ( علیه السلام ) در تفسیر فحشاء و منکر فرمودند : (مقصود) ولایت فلانی (ابوبکر) و فلانی (عمر) است . (۱)

امام محمد باقر ( علیه السلام ) در تفسیر فحشاء و منکر در آیه کریمه : \*إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَاتِّبَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ\* فرمودند : خداوند از فحشاء و منکر بازداشته است و همانا

آنان ، کسانی هستند که به ما اهل بیت ظلم کرده و به سوی غیر ما دعوت

---

۱- تفسیر شریف العیاشی : جلد ۲ صفحه ۲۶۷ حدیث ۶۰ به سند خود از امام جعفر صادق ( علیه السلام ) .



کردند . (۱)

امام صادق ( علیه السلام ) در تفسیر فحشاء ، منکرو بغی فرمود : مقصود فلانی (ابوبکر) و فلانی (عمر) و فلانی (عثمان) است .

(۲)

---

۱- بحار الأنوار : جلد ۲۳ صفحه ۲۶۸ باب ۱۵ حدیث ۱۵ و جلد ۲۴ صفحه ۱۹۰ باب ۵۲ حدیث ۱۴ و جلد ۳۶ صفحه ۱۸۰ باب ۳۹ از تفسیر شریف العیاشی : جلد ۲ صفحه ۲۶۷ حدیث ۵۹ به سند خود از امام محمد باقر ( علیه السلام ) . در تفسیر شریف العیاشی : جلد ۲ صفحه ۲۶۸ حدیث ۶۳ نیز مانند آن آمده است .

۲- بحار الأنوار : جلد ۲۴ صفحه ۱۸۸ باب ۵۲ حدیث ۶ و جلد ۳۰ صفحه ۱۷۱ باب ۲۰ حدیث ۲۶ و جلد ۳۶ صفحه ۱۷۹ باب ۳۹ حدیث ۱۷۲ از تفسیر شریف علی بن ابراهیم قمی : جلد ۱ صفحه ۳۸۸ . همچنین بحار الأنوار : جلد ۳۶ صفحه ۱۸۰ باب ۳۹ حدیث ۱۷۳ از تفسیر شریف العیاشی : جلد ۲ صفحه ۲۶۷ حدیث ۶۲ به سندش از امام باقر ( علیه السلام ) مانند آن را آورده است .

امام محمد باقر ( علیه السلام ) در تفسیر فحشاء و منکرو بغی فرمودند : آنان ، ستمگران به رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت ، کشندگان ایشان و کسانی اند که حقوق اهل بیت ( علیهم السلام ) را ( از ایشان ) بازداشتند . (۱)

### آزاردندگان فاطمه، آزاردندگان خدا و رسول اند

امام باقر ( علیه السلام ) فرمودند : ... سپس حضرت زهرا علیها السلام از ابوبکر و عمر چنین درخواست کردند : شمارا به خداوندی که جز او خدایی نیست ، آیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حقّ من نشنیدید که فرمودند : مَنْ آذَى فَاطِمَةَ فَقَدْ آذَانِي ، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ؟ هر کس فاطمه را بیازارد مرا آزرده و هر کس مرا بیازارد ، خدا را آزرده است؟ گفتند : آری شنیدیم . حضرت زهرا علیها السلام فرمودند : گواهی می دهم که شما دو تن ،

---

۱- بحار الأنوار : جلد ۲۴ صفحه ۱۸۸ باب ۵۲ حدیث ۷ و تأویل الآیات الظّاهره : صفحه ۲۶۴ هر دو از کتاب شریف إرشاد القلوب واعظ دیلمی به سند خود از امام محمد باقر ( علیه السلام ) .

به یقین مرا آزردید . (۱)

امام جعفر صادق ( علیه السلام ) فرمودند : حضرت زهرا علیها السلام به ابوبکر و عمر فرمود : آیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله نشنیدید که می فرمودند : فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي ، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي ، وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ؟ فاطمه پاره ای از (وجود) من است ، پس هرکس او را بیازارد ، مرا آزرده است و هرکس مرا بیازارد ، خدا را آزرده است؟ گفتند : آری (شنیده ایم) . حضرت فرمود : فَوَ اللَّهُ لَقَدْ آذَيْتُمَانِي بِسِيسِ خَدَا سَوِغَنْدِ شَمَا دُو تَنْ مَرَا آزْرَدِيد . (۲)

### لعنت خدا بر آزار دهندگان خدا و رسول

- ۱- بحار الأنوار : جلد ۲۹ صفحه ۱۵۷ حدیث ۲ از مصباح الأنوار . و در بحار الأنوار : جلد ۲۹ صفحه ۱۵۷ حدیث ۴ به نقل از امام صادق از پدران گرامی ایشان ( علیهم السلام ) مانند آن آمده است .
- ۲- کتاب شریف دلائل الإمامه ، نگاشته محمد بن جریر طبری شیعی : صفحه ۱۳۴ حدیث ۴۳ به سند متصل و صحیح از امام جعفر صادق ( علیه السلام ) . همچنین کتاب شریف الدرر النظیم نگاشته ابن حاتم العاملی : صفحه ۴۸۳ مانند این دو حدیث را از ابن عباس همراه با اضافاتی نقل می کند . رجوع کنید به بحار الأنوار : جلد ۴۳ صفحه ۱۷۰ حدیث ۱ و عوالم العلوم : جلد ۱۱ صفحه ۴۱۱ و ۵۰۴ و مأساه الزهراء علیها السلام ، السید جعفر مرتضی : جلد ۲ صفحه ۶۵ حدیث ۳۲ .

خدای تعالی می فرماید : \*إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا(۱) همانا کسانی که خدا و پیامبرش را آزار می دهند ، خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برای آنها عذاب خوارکننده ای مهیا ساخته است\* .

\*وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ(۲) و آن کسانی که رسول خدا را می آزارند ، عذاب دردناکی برای آنهاست\* .

### اعتراف عمر به جنایات...

---

۱- (۳۳) سوره الأحزاب : آیه ۵۸ .

۲- (۹) سوره التوبه : آیه ۶۱ .

در کتاب شریف بحار الأنوار : جلد ۳۰ صفحه ۲۸۷ باب ۲۰ حدیث ۱۵۱ به سند خود از قسمت مفقود شده کتاب شریف دلائل الإمامه به سندش از سعید بن المسيّب نقل می کند که عمر بن الخطاب علیه اللّٰعنه و العذاب در نامه □ خود به معاویه ادخله الله الهاویه چنین نوشت : . . . فخرجت فاطمه فوقفت من وراء الباب ، فقالت : أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ! ماذا تَقُولُونَ وَ أَيُّ شَيْءٍ تُرِيدُونَ؟ فقلت : يا فاطمه ! فقالت فاطمه : ما تشاء يا عُمَرُ؟ فقلت : ما بال ابن عمك قد أوردك للجواب و جلس من وراء الحجاب؟ فقالت لي : طُعْيَانُكَ يا شَقِيئُ أَخْرَجَنِي وَ أَلْزَمَكَ الْحُجَّهَ ، وَ كُلَّ ضالٍّ غَوِيٍّ . فقلت : دعى عنك الأباطيل و أساطير النساء و قولى لعلّى يخرج ، لا حبّ و لا كرامه . فقالت : أ بِحِزْبِ الشَّيْطَانِ تُخَوِّفُنِي يا عُمَرُ وَ كَانَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ضَعِيفًا؟ فقلت : إن لم يخرج جئت بالحطب الجزل و أضرمتها ناراً على أهل هذا البيت و أحرق من فيه ، أو يقاد علىّ إلى البيعه ، و أخذت سوط قنقدٍ فضربت و قلت لخالد بن الوليد : أنت و رجالنا هلمّوا في جمع

الحطب ، فقلت : إني مضرها . فقالت : يا عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّ رَسُولِهِ وَ عَدُوَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ . فضربت فاطمه يديها من الباب تمنعني من فتحه فرمته فتصعب عليّ فضربت كفيها بالسوط فألمها ، فسمعت لها زفيراً و بكاءً ، فكادت أن ألين و أنقلب عن الباب فذكرت أحقاد عليّ و ولوعه في دماء صناديد العرب ، و كيد محمّد و سحره ، فركلت الباب و قد ألصقت أحشاءها بالباب تترسه ، و سمعتها و قد صرخت صرخة حسبتها قد جعلت أعلى المدينة أسفلها ، و قالت : يا أبتاه يا رَسُولَ اللَّهِ ! هَكَذَا كَانَ يُفْعَلُ بِحَبِيبِكَ وَ ابْنَتِكَ ، آه يا فَضَّةُ ! إِلَيْكَ فَخُذِي فَقَدْ وَ اللَّهُ قُتِلَ مَا فِي أَحْشَائِي مِنْ حَمَلٍ . و سمعتها تمخض و هي مستندة إلى الجدار ، فدفعت الباب و دخلت فأقبلت إليّ بوجهٍ أغشى بصرى ، فصفقت صفقةً على خديها من ظاهر الخمار فانقطع قرطها و تناثرت إلى الأرض (۱) . . . - . . . پس فاطمه آمد و پشت در

---

۱- برخی دیگر از منابع نامه □ عمر لعنه الله عليه : کتاب شریف الصیرراط المستقیم : جلد ۳ صفحه ۲۵ ، کتاب الأربعین ، ملامحمد طاهر قمی شیرازی صفحه ۵۶۵-۵۶۶ از کتاب الصیرراط المستقیم ، مجمع الثورین ، شیخ أبوالحسن مرندی : صفحه ۱۰۵ ، شاخه □ طوبی ، میرزا حسین نوری طبرسی □ مؤلف کتاب شریف مستدرک الوسائل صفحه ۱۹۹ تحت عنوان : صورت عهدنامه که عمر ابن الخطاب به معاویه بن ابی سفیان لعنه الله علیهما نوشته بود که از کتاب شریف بحار الأنوار از دلائل طبری متن عربی و ترجمه فارسی آن را آورده است .

ایستاد و گفت : ای گمراهانِ تکذیب کننده ! چه می گوئید و چه می خواهید؟ گفتم : ای فاطمه ! گفت : چه می خواهی ای عمر؟ گفتم : چرا پسر عمویت تو را برای پاسخ گویی فرستاده و خود در پس پرده نشسته است؟ در پاسخ به من گفت : ای بدبخت ! سرکشی تو مرا بیرون آورد تا حجت را بر تو و هر گمراه سرکش دیگر ، تمام کند . گفتم : این یاوه ها و افسانه های زنانه را از خود واگذار و به علی بگو بیرون آید که دوستی و احترامی در بین نیست . گفت : آیا مرا از لشکر شیطان می ترسانی ای عمر ، حال آنکه لشکر شیطان ناتوان است؟

گفتم : اگر بیرون نیاید ، هیزم خشک بسیار زیادی می آورم و کسانی را که در خانه هستند ، می سوزانم مگر اینکه علی را برای بیعت بیرون کشیده ، همراه ببریم . و تازیانه قنفذ را گرفتم و زدم . و به خالد بن ولید گفتم : تو و مردان ما ، هیزم جمع کنید . سپس گفتم : من آن را برمی افروزم . فاطمه گفت : ای دشمن خدا و دشمن پیامبرش و دشمن امیرالمؤمنین . سپس فاطمه دست هایش را جلوی خانه گرفته ، نمی گذاشت در را بگشایم . سعی کردم در را بگشایم اما این کار بر من سخت و دشوار شد . پس با تازیانه به دو دست او زدم که او را به درد آورد . صدای ناله سوزناک و گریه او را شنیدم . نزدیک بود نرم شوم و از در آن خانه بازگردم . در این هنگام کینه هایی که از علی داشتم و آزمندی و حرصی که او بر ریختن خون بزرگان عرب داشت و نیز نیرنگ و جادوگری محمد را یاد کردم ، پس به در لگد زدم در حالی که فاطمه



شکم خود را به در چسبانده بود و از آن نگهداری می کرد . و از او شنیدم که فریادی برآورد که گمان کردم مدینه زیر و رو شد و گفت : ای پدرجان ، ای رسول خدا ! با حبیبه و دختر تو این چنین رفتار می شود . آه ای فِضَه ! مرا دریاب که به خدا سوگند طفلی که در شکم من بود کشته شد . و صدای ناله □ او را به خاطر درد زایمان ، شنیدم در حالی که به دیوار تکیه داده بود . پس در را فشار داده و داخل شدم . به من رو آورد طوری که بینایی مرا پوشاند (جلوی دید مرا گرفت) . بدین جهت از روی مقنعه ، طوری بر گونه هایش سیلی زدم که گوشواره اش گسیخت ، (قطعه قطعه شده و) بر روی زمین پراکنده شد . . . .

### نفرین حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت فاطمه سلام الله علیها خطاب به ابوبکر لعنه الله

فرمودند : فَإِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ أَنَّكُمْ أَسِيَّ خَطْمَانِي وَ مَا أَرْضَيْتُمَانِي وَ لَئِن لَّقِيتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَأَشْكُوَنَّكُمْ إِلَيْهِ  
وَاللَّهِ لَأَدْعُونَ

## اللَّهُ عَلَيْكَ فِي كُلِّ صَلَاةٍ أُصَلِّيَهَا

پس همانا خدا و فرشتگانش را گواه می گیرم! به درستی که شما مرا خشمگین کرده و خشنود ننمودید و چون پیامبر صلی الله علیه و آله را ملاقات کنم حتماً شکایت شما را نزد او خواهم برد... به خدا سوگند! در هر نماز که به پا می دارم، تو را نفرین می کنم. (۱)

۱- مدارک فرمایش حضرت فاطمه علیها السلام از کتاب های شیعیان: الشافی فی الإمامه، الشریف المرتضی: جلد ۴ صفحه ۸۵، تلخیص الشافی، الشیخ الطوسی: جلد ۳ صفحه ۱۵۲، الصیراط المستقیم، البیاضی: جلد ۲ صفحه ۲۹۳، مناقب أهل البيت عليهم السلام، المولی حیدر الشیروانی: صفحه ۴۰۲، بحار الأنوار: جلد ۲۸ صفحه ۳۵۷ و جلد ۲۹ صفحه ۳۲۸ ح ۱ و صفحه ۳۷۶، أعيان الشیعه: جلد ۱ صفحه ۳۱۸ الغدير: جلد ۷ صفحات ۲۲۹-۲۳۰، مأساه الزهراء علیها السلام، الشیخ جعفر مرتضی: جلد ۱ صفحه ۲۵۵، الهجوم علی بیت فاطمه علیها السلام، عبد الزهراء مهدی: صفحه ۱۳۹، موسوعه شهاده المعصومین علیهم السلام: جلد ۱ صفحه ۱۷۹ حدیث ۲۸۹-۵۵، النص علی أمير المؤمنين (علیه السلام)، السيد علی عاشور: صفحه ۲۵۰. و از کتاب های پیروان اصحاب سقیفه ملعونه: السقیفه وفدک، الجوهری: صفحه ۱۰۴، الإمامه والسیاسة، ابن قتیبه الدینوری: جلد ۱ صفحه ۱۳ چاپ الفتوح الأدبیه - مصر سال ۱۳۴۴هـ-، و جلد ۱ صفحه ۱۸-۱۹ تحقیق دکتر طه الزینی چاپ الحلبي - القاهره سال ۱۳۷۸هـ-، أنساب الأشراف، البلاذری: جلد ۱۰ صفحه ۷۹ چاپ دارالفکر، الرسائل السیاسیه، الجاحظ: صفحه ۴۶۷ چاپ مکتبه دارالهلل، شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: جلد ۱۶ صفحه ۲۱۴ نامه ۴۵ به عثمان بن الأحنف، أعلام النساء، عمر رضا کحاله: جلد ۳ صفحه ۱۲۱۴.

بخش دوم: وجوه اعتبار دعای صنمی قریش

اشاره

درباره اعتبار این دعای شریف و عظیم الشان ، دلایل محکم بسیاری وجود دارد که برخی از آنها آورده می شود .

متن این دعای شریف ، نه تنها با قرآن و سنت مسلمّه ، هیچ تعارضی ندارد ، بلکه شواهد بسیاری نیز در آن دو دارد که در کتاب «رشح الولا» از آن ها یاد شده است .

عبارت های دعا بر حقایق قرآنی و تاریخی مستند دلالت دارد و کسی را دلیل بر انکار آن ها نیست .

متن این دعای شریف بر سیاق دعاهای مسلم الصدور از خاندان عصمت و طهارت است و کسی که از دریای معارف آنان چشیده است اختلافی در آن نمی یابد .

همچنین گذشته از اینکه حتی یک نفر از علما و محدّثین ، بر سند و متن این دعا خدشه ای وارد نکرده اند ، متن آن ، مورد قبول علما و محدّثین بوده است و فقرات آن را در موارد

بسیاری نقل کرده اند . این دعا ، مورد پذیرش بزرگانی هم چون فیض کاشانی ، مجلسی اوّل و دوّم ، صاحب مستدرک الوسائل و شیخ مرتضی انصاری و . . . دیگر علمای شیعه می باشد .

### منابع دعای شریف صنمی قریش

کهن ترین منبع معتبری که تا کنون برای این دعای شریف شناخته شده ، کتاب «شرح الولاة فی شرح الدّعاء» می باشد .

### مؤلف کتاب «شرح الولاة فی شرح الدّعاء»

شیخ ابوالسّیّد عادات اسعد بن عبدالقاهر بن اسعد الاصفهانی ملقب ب - «سفرویه یا سفرویه» متوفی سال ۶۴۰ قمری هستند . ایشان دو شرح بر این دعای شریف نوشته اند که بحمدالله در سال های اخیر همراه با شرح و تحقیق شیخ قیس العطار به چاپ رسیده و دو شرح شیخ اسعد و شرح الشّرحین شیخ قیس ، همگی بالغ بر ۷۱۲ صفحه در قطع وزیری است .

جناب شیخ أسعد □ از شیوخ اجازات و استاد سید جلیل

علی بن طاووس  $\square$  بوده است و سید از ایشان اجازه  $\square$  نقل حدیث داشته و از او با عنوان «شیخ فاضل و حافظ» یاد می کند . صاحب وسائل الشیعه نیز از ایشان با تعبیر «عالم و فاضل و محقق» یاد نموده است . صاحب الذریعه می نویسد : وی از جلیل ترین های استادان سید ابن طاووس بوده است . مجلسی اول و دوم ، شیخ کفعمی و سایرین ، از او به علم و تحقیق یاد نموده اند و کسی وی را قدح نکرده است .

علما و محدثین شیعه ، از کتاب های ایشان روایاتی را نقل کرده اند و سید بن طاووس ، تمامی کتاب های حدیث و فقه و سایر علوم اسلامی را از طریق وی نقل می نماید .

### **اعتبار و فضیلت دعای شریف صنمی قریش**

جناب شیخ ابو السعادات در صفحه ۵۸ مقدمه  $\square$  شرح خود می نویسد : إعلم أنّ هذا الدعاء من غوامض الأسرار و كرائم الأوراد لأمیر المؤمنین علی ( علیه السلام ) ، یواظب علیه فی لیله و نهاره و فی أوقات أسحاره خلال أدعیه أوتاره .

و قد روى أن أمير المؤمنين علياً صلوات الله عليه دخل المسجد ذات ليله ، فظن أن المسجد خالٍ ليس فيه أحد و شرع في صلاه الليل و جهر في قراءه القرآن و ما كان له من الأوراد حتى وصل الوتر . فلما ابتداء بقراءه دعاء القنوت و فرغ ، قرأ هذا الدعاء بصوت عال ، ظناً بخلو المسجد و غيبه الناس عنه . فلما فرغ من صلاته و دعائه ، جلس ، فأحس بحضور إنسان ، فقال : هل في المسجد أحد؟ فأجابه عبدالله بن العباس رحمهما الله ، فقال : نعم ، يا أمير المؤمنين مملوكك .

فقال : هل معك غيرك؟ فقال : لا ، ليس معنا ثالث . فقال : و هل سمعت دعاء الوتر و ما دعوت به؟ فقال : نعم . فقال : هل حفظته؟ فقال : نعم ، حفظته يا أمير المؤمنين . فقال : فأحفظه فإنه من غوامض الأشرار ، و لا يطلع عليه أحد إلا عثرتي و أهل بيتي . أما عهدى معك أن لا تظهر لأحد غير أهل ، و كن به ضنيناً . من دعا به من خالص إعتقاده ، و صفاء نيته ، و صدق طويته قضى الله له حاجاته بفضلِهِ و بركاتِهِ .

و الدعاء هذا : اللهم العن صنمى قرئش و . . . .

توجه کنید که امیرالمؤمنین در شب و روز و هنگام سحرگاه ،

در دعاهای وتر خود ، بر خواندن این دعا مواظبت می نموده و بهابن عباس فرمودند : این دعا از غوامض اسرار و کرائم اوراد است و جز اهل بیت و عترت علیهم السلام از آن آگاهی ندارند و عهد من با تو آن است که آن را جز نزد کسانی که اهلیت آن را دارند (شیعیان حافظ اسرار) ، فاش نکرده و از انجام این کار خودداری کنی . هر کس با باور پاک و صفای نیت و راستی اش این دعا را بخواند ، خداوند به فضل و برکت هایش ، خود حاجت های او را برایش روا کند .

اضافه بر محدثین از علمای شیعه که اعتبار این دعای شریف نزد آنان از مسلمات است ، فقهای شیعه نیز آن را اخذ به قبول نموده اند . از میان آنان شیخ انصاری صاحب کتاب فرائد الأصول و المکاسب است که کتاب ها و نظرات ایشان هنوز از کتاب های درسی رایج در حوزه های علمیه است . ایشان در کتاب الصیلاه : جلد ۱ صفحه ۴۱۵ می نویسد : مضافاً إلى ورود بعض الأدعیه المشتمله علی هذه الکلمه کدعاء صنمی قریش



الذی کان یقنت به أميرالمؤمنین ( علیه السلام ) - اضافه بر آنکه برخی از دعاهاى وارد شده شامل این کلمه است ، مانند دعای صنمی قریشی که امیرالمؤمنین ( علیه السلام ) پیوسته بدان قنوت می فرمودند .

### صحیح بودن روایات (سندهای) دعای شریف صنمی قریش

شیخ اسعد می نویسد : لا شک بصحّہ الروایات عن الرواه الثقات أنّ هذا الدعاء من أوراد أميرالمؤمنین ، و امام المتّقین ، و وصی رسول ربّ العالمین ، و اولاده المنتجبین ، الأئمّه المعصومین ، علیهم کرائم الصّیلموات ، و شرائف التّحیّات ، و هم علی قرائته مواظبون ، و علی تلاوته مداومون ، أوقات الأسحار ، فی أوراد الأوتار- بر صحیح بودن روایاتی (دقت کنید که می نویسد : روایات) که از راویان ثقه و مورد اعتماد نقل شده تردیدی وجود ندارد ، مبنی بر اینکه این دعا از اوراد امیرمؤمنان و پیشوای پرهیزکاران و جانشین فرستاده ی خدای جهانیان و فرزندان برگزیده او ، امامان معصوم - که گرامی ترین صلوات و شریف ترین درودها بر آنان باد - می باشد و ایشان بر

خواندن آن مواظبت می نمودند و بر تلاوت آن در هنگام سحرگاه ، در ضمن دعاها و تر و نماز شب خود ، مداومت می کردند (سپس شرح را آغاز کرده است) .

ایشان تصریح دارد که این دعای شریف ، دارای روایات و سندهایی چند از جانب افراد مورد اطمینان است . کمترین جمع در عربی ، عدد سه می باشد که ایشان علاوه بر تأکید بر صحت آنها ، اعلام می کند که در صحت سند آن روایات ها ، جای هیچ تردیدی نیست .

### شرح های دعای شریف صنمی قریش

در صفحه □ نهم از قسمت مقدمه محقق کتاب رشح الولاء ، عنوان شرح های شناخته شده □ دعای شریف صنمی قریش را که از قرن هفتم شروع شده اند ، با ذکر مأخذ (الذریعه و . . . ) همراه با توضیح کامل ، ۹ شرح یاد کرده که عبارتند از :

۱- دو شرح مبسوط و مختصر به نام رشح الولاء فی شرح الدعاء ، نگارش شیخ أبو السَّعادات أسعد بن عبدالقاهر می باشد

که کهن ترین شرحی است که به دست ما رسیده است .

۲- کتاب «شرح دعاء صنمی قریش» نگارش ملا علی عراقی که آن را در سال ۸۷۸ قمری نگاشته است .

۳- کتاب «شرح دعاء صنمی قریش» نگارش ملا عیسی خان اردبیلی که شرحی نیکو فایده بوده و آن را در سرزمین هند نگاشته است .

۴- «شرح دعاء صنمی قریش» نگارش یوسف بن حسین بن محمد نصیر طوسی اندرودی .

۵- «ذخر العالمین فی شرح دعاء الصّٰئمین» نگارش ملا محمد مهدی بن مولی علی اصغر بن محمد یوسف قزوینی ، که به زبان فارسی نگاشته شده و در سال ۱۱۱۶ قمری نگارش آن پایان یافته است .

۶- «شرح دعاء صنمی قریش» که شرحی به زبان فارسی و در غایت گستردگی بوده و نزد محدث میرزا عبدالرزاق همدانی

یافت شده است .

۷- «نسیم العیش فی شرح دعاء صنمی قریش» نگارش میر سید علی بن مرتضی طیب موسوی دزفولی که نگارش آن را در ماه محرم سال ۱۱۶۶ قمری به پایان رسانده است .

۸- «شرح دعاء صنمی قریش» نگارش میرزا محمدعلی مدرّس چهاردهی نجفی .

۹- «ضیاء الخافقین فی شرح دعاء الصّمنین» که ترجمه گونه‌ای شرح الولاء است .

ما نیز به آن اضافه می کنیم :

۱۰- «شرح دعاء صنمی قریش» نگارش ملا حبیب الله شریف کاشانی متوفی سال ۱۳۴۰ قمری . به علاوه محدّثینی چون مجلسی اوّل در شرح من لا یحضره الفقیه عربی و فارسی ، مجلسی دوّم در بحار الأنوار و . . . و سایر محدّثین از علما ، فقراتی از این دعای عظیم الشّان را

شرح نموده اند .

### برخی دیگر از منابع در دسترس دعای شریف صنمی قریش

۱- کتاب فضائل اهل بیت رسول صلی الله علیه و آله و مناقب اولاد بتول علیهم السلام نگارش عمادالدین حسن بن علی طبری و تصحیح رسول جعفریان است . ایشان از علمای قرن هفتم و از معاصرین خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلّی بوده است . وی در جلد ۲ صفحه ۱۷۶ گوید : . . . و اگر این راست بودی ، علی روایت ابن عباس امیرالمؤمنین علی ( علیه السلام ) دعای :  
اللَّهُمَّ العن صنمی قریش نخواندی و ائمه از ایشان تظلم نزدندی چهاراً و عیاناً .

۲- کتاب «دقائق التأویل و حقائق التّنزیل» به زبان فارسی ، نگاشته حسنی ابوالمکارم محمود بن محمد از علمای قرن هفتم می باشد . ایشان در صفحه ۶۸ گوید : «جبت» و «طاغوت» اشارتست به اکابر اهل باطل از منافقان صحابه ، چنانکه امیرالمؤمنین ( علیه السلام ) در دعا فرموده است : اللَّهُمَّ العن صنمی

قُرَيْشٍ وَجَبَّتِيهَا . . . و دعا را شرح کرده اند .

۳- «المحتضر» نوشته شیخ حسن بن سلیمان حلّی از علمای قرن هشتم و از شاگردان فقیه شیعه شهید اول است . وی در صفحه ۷۱ حدیث ۹۳ می نویسد : و قد روی أن أمير المؤمنين ( عليه السلام ) قنت في صلاته بقوله : اللَّهُمَّ الْعَنْ صَيِّئِي قُرَيْشٍ وَجَبَّتِيهَا وَ . . . - و به تحقیق روایت شده است که امیر المؤمنین ( علیه السلام ) در قنوت خود این دعا را خوانده اند .

هم چنین در صفحه ۱۱۱ حدیث ۱۳۹ می نویسد : و ممّا يدلّ علی ما قلناه من أنّهما كانا منافقين غير مؤمنين ما سمع من قنوت مولانا امیر المؤمنین ( علیه السلام ) و هو هذا : اللَّهُمَّ [ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ] الْعَنْ صَيِّئِي قُرَيْشٍ وَ . . . - و از جمله چیزهایی که دلالت می کند بر آنچه گفتیم - مبنی بر اینکه آن دو (ابوبکر و عمر علیهما اللعنه) منافق بوده و مؤمن نبودند - آن است که از قنوت نماز مولانا امیر المؤمنین ( علیه السلام ) شنیده شد که فرمود : اللَّهُمَّ [ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ] الْعَنْ صَيِّئِي

۵۴- کتاب «المصباح (جنه الأمان الواقیه)» و کتاب «البلد الأمين» نگارش شیخ ابراهیم بن علی عاملی کفعمی متوفی سال ۹۰۵ قمری . ایشان در صفحه ۵۵۲ از کتاب المصباح می نویسند : ثم ادع بهذا الدعاء المروى عن علي (عليه السلام) : سپس دعا کن به این دعا که از حضرت علی ( علیه السلام ) روایت شده است : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ الْعَنْ صَنَمَيْ قُرَيْشٍ وَ . . . .

۶- کتاب شریف «روضهاالمتقين فی شرح من لایحضره الفقیه» نگارش ملامحمد تقی مجلسی اوّل متوفی سال ۱۰۷۰ هجری در جلد ۵ صفحه ۲۴۲ می نویسند : كما كُنِّي عن العمرين في دعاء صنمى قريش بالجبتين و الطاغوتين ، بل الظاهر و الشائع من الأخبار عن الأئمة الأطهار سلام الله عليهم أنّ كلما ورد في الآيات من الجبت و الطاغوت و غيرهما فهم المراد منها و إن شئت التفصيل فلاحظ الكافي ، و بصائر الدرجات ، و المحاسن ، و غيرها بل الظاهر من الأخبار أنّه لا تحصل الولاية إلّا بالبراءة منهم و من أتباعهم ، و لهذا لم يرد دعاء يذكر فيه

الولاية إلهما و هي متبّعه بالبراءة فتدبّر - چنان که به کنیه از دو عمر (ابوبکر و عمر) در دعای صنمی قریش ، دو جبت و دو طاغوت یاد شده است ، بلکه از اخباری که از امامان اطهار- که درود خدا بر آنان باد - آشکار و مشهور است ، این است که آنچه در آیات قرآن ، سخن از جبت و طاغوت و غیر اینها شده ، مقصود آنان هستند و اگر تفصیل بیشتر خواستی ، کتاب های الکافی و بصائر الدرجات و المحاسن و غیر آن ها را ملاحظه نما . بلکه از احادیث آشکار است که ولایت ، جز به بیزاری جستن از آن ها (ابوبکر و عمر و ...) و پیروان آن ها حاصل نمی شود و به همین جهت است که دعایی وارد نشده مگر اینکه به دنبال آن برائت نیز آمده است ، بنابراین تدبّر نما .

۷- وی در کتاب شریف «لوامع صاحبقرانی» در شرح فارسی کتاب من لایحضره الفقیه جلد ۶ صفحه ۲۳۸ می نویسد : و در دعای صنمی قریش نیز حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه اشاره فرمود که : وَ دَبَابٍ دَخْرَجُوهَا . . . .

در جلد ۸ صفحه ۵۹۰ گوید : و تسمیه ایشان به جبت و طاغوت ابتدا از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه شد



در دعای صنمی قریش که آن حضرت در قنوت و سجده نماز شب و غیر آن می خواندند ، و چون لفظ لات و عزّی مؤنث است کنایه از آن دو ملعونه (عائشه و حفصه) است که نماز کسی تمام نشود تا در تعقیب آن نماز چهار مرد و چهار زن را لعنت نکند و آن : فلان (ابوبکر) و فلان (عمر) و فلان (عثمان) و معاویه است ، و فلان (عایشه) و فلان (حفصه) و امّ الحکم خواهر معاویه و هند مادر آن ملعون است .

۸- کتاب شریف «الوافی» نگارش ملا محمّد محسن فیض کاشانی متوفی سال ۱۰۹۱ قمری است . وی در جلد ۲ صفحه ۲۱۷ می نویسد : . . . أراد بالصنمین الأوّلین کما فی دعاء

صنمی قریش ... - (امام محمّد باقر (علیه السلام)) با فرمایش خود از صِئَمَین (دوبت) ، دو اوّلی (ابوبکر و عمر) را اراده نموده چنان که در دعای صنمی قریش است ....

۹- کتاب «علم الیقین فی اصول الدّین» نگارش شمالا محسن فیض کاشانی . او در جلد ۳ صفحه ۸۳۰ فصل ۷ (تظلم مولانا امیرالمؤمنین (علیه السلام) ...) می نویسد : و لیعلم أنّ تظلم مولانا امیرالمؤمنین (علیه السلام) ممّن تقدّم ، علیه کثیر فی کلامه و خطبه و دعواته ، و سندکر شیئا من ذلك : فمنه ما رواه الکفعمی □ عن ابن عبّاس ، عن علیّ (علیه السلام) : أنّه کان یقنت بهذا الدعاء فی صلاته و قال : إنّ الدّاعی به کالزّامی مع النّبی صلی الله علیه و آله فی بدر و احد و حنین بألف ألف سهم و هو : اللّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ الْعَیْنِ صِئَمَی قُرَیْشٍ وَ ... - و باید دانست که به یقین مولای ما امیرمؤمنان (علیه السلام) از پیشینیان خود (ابوبکر و عمر و عثمان) در سخنان ، خطبه ها و دعاهاى خود ، تظلم می فرمود و به زودی برخی از آن را ذکر می کنیم : از جمله متنی است که

کفعمی □ آن را از ابن عبّاس از حضرت علی ( علیه السلام ) نقل کرده است که حضرت در نماز به آن قنوت می کردند و فرموده اند : همانا ( ثواب ) کسی که این دعا را بخواند مانند کسی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر و احد و حنین ، هزار هزار تیر ( به سوی کافران ) پرتاب کرده باشد ، و آن دعا این است : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ الْعَنْ صَنَمِي قُرَيْشٍ وَ . . . .

۱۰- کتاب «قرّه العیون» تألیف ملا محسن فیض کاشانی نشر دار الکتاب الإسلامی است . وی در صفحه ۴۱۷ می نویسد : کلمه فیها اشاره الی ارتداد اکثر هذه الأئمة بعد نبیها و السبب فی ذلك . . . و قد أشار أمير المؤمنين ( علیه السلام ) إلی بعض منکراتهم فی دعاء صنمی قریش -سخنی در اشاره به ارتداد بیشتر این امت و سبب آن . . . همانا امیرمؤمنان در دعای صنمی قریش به برخی از آن ها اشاره نموده است .

۱۱- کتاب «نوادر الأخبار» نوشته □ملا محسن فیض کاشانی نشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران . او در

صفحه ۱۸۴ می نویسد : باب إظهار مخالفتهم بعد وفاه النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَارْتِدَادِهِمْ جَهْرًا . . . و قد أشار أمير المؤمنين ( عليه السلام ) إلى بعضها في دعاء صنمي قریش - باب آشکار نمودن مخالفتشان با ولایت پس از وفات پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَارْتِدَادِهِمْ جَهْرًا . . . و به تحقیق امیر مؤمنان ( عليه السلام ) در دعای صنمی قریشبه برخی از آن ها اشاره نموده است .

۱۲- مرحوم علامه ملا محمدباقر مجلسی دوّم متوفی سال ۱۱۱۱ قمری . ایشان در دائره المعارف عظیم شیعه بحار الأنوار جلد ۳۰ صفحه ۳۹۳ حدیث ۱۶۶ و ۱۶۷ می گوید : ودعاء صنمی قریش مشهور بین الشّیعه ، ورواه الكفعمی عن ابن عبّاس ، أنّ أمير المؤمنين ( عليه السلام ) كان يقنت به في صلاته - و دعای صنمی قریش که در میان شیعیان مشهور است و کفعمی آن را از ابن عباس چنین نقل کرده که امیر المؤمنین ( عليه السلام ) به آن دعا قنوت می کردند . سپس دعا را آورده است .

و در جلد ۳۱ صفحه ۶۳۱ حدیث ۱۳۳ می نویسد : سلف دعاء صنمی قریش الذی هو دعاء رفیع الشَّان ، عظیم المنزله ، رواه عبدالله ابن عباس عن علی ( علیه السلام ) أنه کان یقنت به ، وقال : إِنَّ الدَّاعِيَ بِهِ كَالرَّامِي مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَدْرٍ وَأُحُدٍ وَحُنَيْنٍ بِأَلْفِ أَلْفِ سَيِّئِهِمْ - دعای صنمی قریش گذشت - که دعایی بلند مرتبه و عظیم المنزله است - که عبدالله ابن عباس از حضرت علی ( علیه السلام ) آن را روایت کرده و این که حضرت پیوسته به آن قنوت می کرده و فرموده اند : همانا (ثواب) دعاکننده به این دعا چون کسی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر و احد و حنین هزار هزار تیر (به سوی کافران) پرتاب نموده باشد .

۱۳- «ترجمه فرحه الغری» علامه ملا محمد باقر مجلسی دوّم در صفحه ۱۰۳ ب ۶ گوید : و تسمیه به جبت و طاغوت ابتداء از حضرت امیرالمؤمنین ( علیه السلام ) شد در دعای صنمی قریش که آن حضرت در قنوت و سجده نماز شب و غیر آن

می خواندند . ( نام گذاری ابوبکر و عمر به «جبت» و «طاغوت» نخست از جانب امیرالمؤمنین ( علیه السلام ) و آن هم در دعای صنمی قریش - که در قنوت و سجده نماز و ... می خوانده اند - صورت گرفت ) .

۱۴- کتاب «نورالبراهین» نگاشته سید جلیل نعمهالله جزائری متوفی سال ۱۱۱۲ هجری نشر اسلامی قم است . ایشان در جلد ۲ صفحه ۳۴۴ چنین مرقوم فرموده است : هم أصنام قریش ، كما يظهر من دعائه عليه السلام في دعاء صنمی قریش واللّعن عليهما - آنان (ابوبکر و عمر) بت های قریش اند ، چنان که از دعای حضرت علی ( علیه السلام ) در دعای صنمی قریش و لعنت نمودن آن دو آشکار می شود .

۱۵- کتاب شهاب ثاقب تألیف ملا مهدی نراقی متوفی سال ۱۲۴۴ هجری ، نشر کنگره بزرگداشت محققان نراقی در سال ۱۳۸۰ خورشیدی است . وی در صفحه ۲۹ می نویسد : و در دعای صنمی قریش که به حدّ یقین رسیده است که از کلام

معجز نظام حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است و عدول مشایخ شیعه به طرق معتبره ، این دعا را از آن حضرت روایت کرده اند اشاره به این معنی شد و در آن دعا حضرت ابتدا فرموده که «اللَّهُمَّ الْعَن صَنْمَى قُرَيْشٍ وَ جَبَيْتِهَا وَ طَاغُوتَيْهَا . . . » یعنی : بار خدایا لعن کن بر دو صنم قریش و بر دو جبت و دو طاغوت قریش . بعد از آن به ازای عمل بدی که ایشان کرده اند ، لعنی بر ایشان کرده است و آن اعمال را به تفصیل اسم برده از غضب خلافت و منع ارث ، و منبر پیغمبر صلی الله علیه و آله را خالی کردن از وصی او و غیر ذلک از اعمال قبیحه ایشان تا آن که ایشان را لعن کرده به سبب بالا- رفتن ایشان بر عقبه و انداختن دَبَاب بر پیش پای پیغمبر صلی الله علیه و آله ، و اکثر فقرات آن دعا نص صریح است که مراد از صنمی قریش اول و ثانی اند و هر که ملاحظه فقرات آن را بکند می داند که حضرت امیر (علیه السلام) از ایشان چه در دل داشته (است) .

۱۶- کتاب شریف «مستدرک الوسائل» نوشته میرزا حسین نوری طبرسی متوفی سال ۱۳۲۰ هجری چاپ مؤسسه آل البيت عليهم السلام است . وی در جلد ۴ صفحه ۴۰۵ حدیث ۵۰ / ۲۱/۸ از کتاب «البلد الأمين» و «جنّها لآمان» کفعمی از حضرت علی ( علیه السلام ) نقل نموده که حضرت به آن قنوت می کردند و فرموده اند : إِنَّ الدَّاعِيَ بِهِ كَالرَّامِي مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ فِي بَدْرٍ وَ أُحُدٍ بِالْفِ أَلْفِ سَيِّئِهِمْ - برای دعا کننده به این دعا (ثواب) کسی است که در رکاب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ در جنگ بدر و احد ، هزار هزار تیر (به سوی کافران) پرتاب نموده باشد .

۱۷- و میرزا حبیب الله خویی متوفی سال ۱۳۲۴ قمری در جلد ۱۴ صفحه ۳۹۷ «منهاج البراعه» در شرح بر نهج البلاغه می نویسد : ... دعاؤه المعروف بدعاء صنمی قریش الذی کان یواظب علیه فی قنوته و سایر أوقاته ، و قد رواه غیر واحد من أصحابنا قدس الله أرواحهم فی مؤلفاتهم ، و أحببت



نقله هنا لكونه أنقض لظهر الناصبين ، و أرغم أنف المعاندين ، و أبطل لزعم من توهم ثناء أمير المؤمنين لهذين الذين لا حريجه لهما في الدين - . . . دعای حضرت علی ( علیه السلام ) که معروف است به «دعای صنمی قریش» که در قنوت و سایر اوقات شان ، به خواندن آن مواظبت می نمودند . و نه یک تن (شمار بسیاری) از اصحاب ما (شیعیان) قدس الله ارواحهم در نوشته های خود آن را روایت نموده اند و من نیز دوست داشتم آن را در اینجا نقل نمایم زیرا آن بر ناصبیان کمرشکن تر ، و بر ساییدن بینی دشمنان کاری تراست و برای ادعای کسانی که توهم می کنند امیرالمؤمنین ( علیه السلام ) این دو تن را (عمر و ابوبکر) - که جایگاهی در دین ندارند - ثنا گفته است ، باطل کننده تر است .

۱۸- کتاب «التعليقه على المكاسب» نگاشته سید مجاهد عبدالحسین لاری متوفی سال ۱۳۴۲ هجری چاپ مؤسسه المعارف الإسلامیه - قم است . وی در جلد ۱ صفحه ۲۳۲

می نویسد : بل کان علیّ علیه السّلام یقنت بلعن صنمی قریش فی کلّ غداه - بلکه حضرت علی ( علیه السلام ) در هر صبح گاه به دعای صنمی قریش قنوت می فرمود .

۱۹- کتاب گران سنگ دائره المعارف فقه مأثور اهل بیت اطهار علیهم السلام «جامع أحادیث الشّیعه» که به دستور و إشراف آیهاالله بروجردی رحمه الله علیه گردآوری شده است ، این دعای شریف را در جلد ۵ صفحه ۳۱۲ حدیث ۳۲۵۶ (۱۴) از مستدرک الوسائل آورده است .

۲۰- آیهاالله مرعشی نجفی رحمه الله علیه در گنجینه [ ارزشمند «شرح إحقاق الحق» جلد ۱ صفحه ۳۳۷ می نویسند : ... . کما أشار إلیه مولانا أميرالمؤمنین علیّ ( علیه السلام ) ، فی دعاء صنمی قریش ، بقوله : اللَّهُمَّ الْعَنْ صِنْمَى قُرَيْشٍ وَ... - چنان که مولای ما امیرالمؤمنین علی ( علیه السلام ) در دعای صنمی قریش به این موضوع اشاره نموده است به فرمایش خود : اللَّهُمَّ الْعَنْ صِنْمَى قُرَيْشٍ وَ... .

علاوه بر تمام اینها ، دعاهایی وجود دارند که در مضمون و

الفاظ با دعای شریف صنمی قریش شباهت بسیاری دارند . از جمله دعای ارزشمندی است که سید جلیل ابن طاووس □ در کتاب شریف مهج الدعوات از کتاب جامعی قدیمی تألیف محمد بن محمد بن عبدالله بن فاطر به سند متصل خود از شیخ صدوق و او به سند متصل خود از امام صادق ( علیه السلام ) نقل می کند که فرمود : مِنْ حَقَّنَا عَلَيَّ أَوْلِيَانِنَا وَ أَشْيَاعِنَا أَنْ لَا يَنْصِرِفَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ مِنْ صَلَاتِهِ حَتَّى يَدْعُوَ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ هُوَ - از جمله حقوق ما (اهل بیت) بر دوستان و شیعیانمان این است که از نماز خود فارغ نشوند جز آنکه این دعا را بخوانند :

**دعای امام صادق علیه السلام در تعقیب نماز**

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ ، وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ صِيْلَةً تَامَّةً دَائِمَةً ، وَأَنْ تُدْخِلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَوَالِدِيهِمْ ، وَوَالِدِيَّهِمْ ، حَيْثُ كَانُوا ، وَأَيْنَ كَانُوا ، فِي سَهْلٍ ، أَوْ جَبَلٍ ، أَوْ بَرٍّ ، أَوْ بَحْرٍ ، مِنْ بَرَكَهٍ دُعَائِي ، مَا تُقَرُّ بِهِ عُيُونُهُمْ .

خدایا! از تو می خواهم به حقّ تو که بزرگ است بزرگ ، که بر محمد و خاندان پاک او درود فرستی ، و بر آنان درودی جاودان بفرستی و اینکه از برکت دعای من بر محمد و آل محمد و دوست داران و پیروان ایشان ، هر کجا که باشند ، در همواری یا کوهستان یا بیابان یا دریا ، چیزی را داخل کنی که چشمان ایشان به سبب آن روشن شود .

إِحْفَظْ يَا مَوْلَايَ الْغَائِبِينَ مِنْهُمْ ، وَارْزُدْهُمْ إِلَى أَهَالِيهِمْ سَالِمِينَ ، وَنَفْسٍ عَنِ الْمَهْمُومِينَ ، وَفَرَجٍ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ ، وَاكْسُ الْعَارِينَ ،  
وَاشْبِعِ الْجَائِعِينَ ، وَأَرْوِ الظَّامِثِينَ ، وَأَقْضِ دَيْنَ الْغَارِمِينَ ، وَزَوْجِ الْعَازِبِينَ ، وَاشْفِ مَرَضَى الْمُسْلِمِينَ ، وَأَدْخِلْ عَلَى الْأَمْوَاتِ مَا  
تَقَرَّبَ بِهِ عُيُونُهُمْ ، وَانصُرِ الْمَظْلُومِينَ مِنْ أَوْلِيَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَأَطْفِئِ نَارَ الْمُخَالِفِينَ .

ای مولای من ! غایبان ایشان را نگهبانی کن و آنان را سلامت به خانواده هایشان بازگردان . و (غم را) از غمگینان و (اندوه را) از اندوهناکان زایل کن . برهنه ها را بپوشان و گرسنه ها را سیر گردان و تشنگان را سیراب فرما و قرض قرض داران را ادا کن و عزبان را کدخدا کن و بیماران مسلمانان را شفا ده و بر مردگان آن چیزی را وارد گردان که به سبب آن دیدگان ایشان روشن شود و ستم دیدگان از پیروان آل محمد علیهم السّلام را یاری کن و آتش (دشمنی) مخالفین را خاموش فرما .

اللَّهُمَّ وَضَاعِفُ لِعُنْتَيْكَ ، وَبَأْسِيكَ ، وَنِكَالِمَكَ ، وَعَيْدَابِكَ ، عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا نِعْمَتَيْكَ ، وَخَوْنَا رَسُولِكَ ، وَاتَّهَمَا نَبِيَّكَ ، وَ  
 بَيْنَاهُ ، وَحَلَّا عَقْمَدَهُ فِي وَصِيَّهِ ، وَنَبَيْدَا عَهْدَهُ فِي خَلِيفَتِهِ مِنْ بَعِيدِهِ ، وَادَّعِيَا مَقَامَهُ ، وَغَيْرَا أَحْكَامَهُ ، وَبَدَّلَا سُنَّتَهُ ، وَقَلَّبَا دِينَهُ ، وَ  
 صَغَّرَا قَدْرَ حُجَجِكَ ، وَبَدَّءَا بِظُلْمِهِمْ ، وَطَرَّقَا طَرِيقَ الْعُدْرِ عَلَيْهِمْ ، وَالْخِلَافِ عَنْ أَمْرِهِمْ ، وَالْقَتْلِ لَهُمْ ، وَارْهَاجِ الْحُرُوبِ عَلَيْهِمْ  
 ، وَ مَنَعَ خَلِيفَتِكَ مِنْ سَدِّ النَّوْمِ ، وَتَقْوِيمِ الْعُوجِ ، وَتَثْقِيفِ الْأُودِ ، وَامْضَاءِ الْأَحْكَامِ ، وَإِظْهَارِ دِينِ الْإِسْلَامِ ، وَإِقَامِهِ حُدُودِ الْقُرْآنِ

خداوندا! لعنت ، شکنجه و عذابت را برای آن دو نفر دوچندان کن که نعمت تو را انکار و به پیامبرت خیانت کرده و تهمت زدند و او را دور و پیمان بسته شده □ او درباره □ وصیّ اش را شکستند و پس از او پیمانش را درباره □ جانشینش گسسته و جایگاه او را (برای خود) ادّعا نمودند . احکام و سنّت او را تغییر ، دین او را واژگون و ارزش حجّت های تو را کوچک شمردند و آغازگر ستم به ایشان بودند و رهسپار مسیر نیرنگ بر ایشان شدند ، مخالفت با دستور ایشان ، کشتنشان و آتش افروزی جنگ ها علیه ایشان و بازداشتن جانشین تو از اینکه شکاف های دین را ببندد و کژی ها را راست کرده و ناهماهنگی ها را هموار و احکام را جاری و دین اسلام را آشکار سازد و حدهای قرآن را بر پا دارد .



اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا ، وَابْنَيْهِمَا ، وَكُلَّ مَنْ مَالَ مَيْلَهُمْ ، وَحَذَا حَذْوَهُمْ ، وَسَيْلِكَ طَرِيقَتَهُمْ ، وَتَصَدَّرَ بَبِدْعَتِهِمْ ، لَعْنَا لَا يَخْطُرُ عَلَيَّ بَالٍ ،  
وَ يَسْتَعِيدُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ .

خدایا! آن دو نفر و دو دختر آنان را لعنت کن . و نیز لعنت کن تمام کسانی را که به انحراف آنان ، گرایش کرده باشند و  
مانند پیروی آنها پیروی کرده و راه آنان را رهروی کرده باشند و بدعت آنان را پیش انداخته باشند ، چنان لعنتی که بر خاطر  
هیچ کس نگذرد و اهل آتش از آن پناه جویند .

إِلْعَنِ اللَّهُمَّ مَنْ دَانَ بِقَوْلِهِمْ ، وَاتَّبَعَ أَمْرَهُمْ ، وَدَعَا إِلَى وِلَايَتِهِمْ ، وَشَكََّ فِي كُفْرِهِمْ ، مِنْ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ .

خدایا لعنت کن هر کس که گفتار ایشان را اطاعت کرده و فرمان آنها را پیروی کرده باشد و مردم را به دوستی آنها فرا خوانده و در کفر آنها شک داشته باشد ، از پیشینیان و پسینیان .

ثُمَّ ادْعُ بِمَا شِئْتَ (۱) - سپس دعا کن به هرچه خواهی .

---

۱- بحار الأنوار : جلد ۳۰ صفحه ۳۹۵ باب ۲۰ حدیث ۱۶۹ و جلد ۸۳ صفحه ۵۹ حدیث ۶۷ از کتاب شریف مهج الدعوات :  
صفحه ۳۳۳ .

همچنین از جمله دعاهایی که محتوایی شبیه به دعای صنمی قریش دارد ، دعایی از امام رضا ( علیه السلام ) است که حضرت فرموده اند : (۱) مَنْ دَعَا فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ بِهَذَا الدُّعَاءِ كَأَنَّكَ الزَّامِيُّ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ بَدْرٍ ( فِي بَدْرٍ وَ أُحُدٍ وَ حُتَيْنٍ بِأَلْفِ أَلْفِ سَهْمٍ ) (۲) . قالوا : قلنا : فنكتبه؟ قال : أكتبنا إذا أنتمما سجدتُما سجدة

۱- مهج الدعوات : و منذلك دعاء آخر لمولانا الرضا عليه السلام في سجده الشكر رويناه بإسنادنا إلى سعد بن عبد الله في كتاب فضل الدعاء ، وقال أبو جعفر : عن محمد بن إسماعيل بن بزيع ، عن الرضا ، و بكير بن صالح ، عن سليمان بن جعفر ، عن الرضا ، قالوا : دخلنا عليه و هو ساجد في سجده الشكر فأطال في سجوده ثم رفع رأسه فقلنا له : أطلت السيد جود؟ فقال : . مهج الدعوات : ۲۵۷ . ساير منابع : المصباح كفعمى : صفحه ۵۵۳ فصل ۴۴ از مهج الدعوات ، بحار الأنوار : جلد ۸۳ صفحه ۲۲۳ باب ۴۴ حديث ۴۴ از مهج الدعوات و جلد ۳۰ صفحه ۳۹۳ باب ۲۰ حديث ۱۶۶ و ۱۶۷ از مهج الدعوات و المصباح ، مستدرک الوسائل : جلد ۵ صفحه ۱۳۹ باب ۵ حديث ۵۵۱۶- ۱۳ و حديث ۵۵۱۷ - ۱۴ از مهج الدعوات و البلد الأمين .

۲- المصباح .

الشُّكْرُ فَتَقُولَا :

هر کس این دعا را در سجده ی شکر بخواند مانند کسی است که در جنگ بدر و احد و حنین با هزار هزار تیر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را همراهی کرده باشد . (راویان گویند : ) عرض کردیم : دعا را بنویسیم؟ حضرت فرمود : بنویسید . چون سجده شکر به جا می آورید ، بگویید :

**دعای امام رضا علیه السلام در سجده شکر**

اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلَا دِينَكَ ، وَغَيَّرَا نِعْمَتَكَ ، وَانْتَهَمَا رَسُولَكَ (١)

، وَخَالَفَا مِلَّتَكَ ، وَصَيَّدَا عَنْ سَبِيلِكَ ، وَكَفَرَا آيَاتِكَ ، وَرَدَّا عَلَيْكَ كَلَامَكَ ، وَاسْتَهْزَءَا بِرَسُولِكَ ، وَقَتَلَا ابْنَ نَبِيِّكَ ، وَحَرَّفَا كِتَابَكَ ، وَجَحَّدَا آيَاتِكَ ، وَسَيَّخَرَا بِآيَاتِكَ ، وَاسْتَكْبَرَا عَنْ عِبَادَتِكَ ، وَقَتَلَا أَوْلِيَاءَكَ ، وَجَلَسَا فِي مَجْلِسٍ لَمْ يَكُنْ لَهُمَا بِحَقٍّ ، وَحَمَلَا النَّاسَ عَلَى أَكْتافِ آلِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ) (٢) .

---

١- المصباح : صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

٢- البحار .

خدایا! لعنت کن آن دو نفری را که دین تو را تغییر داده و نعمت تو را دگرگون کردند (به کیفر و عذاب تبدیل کردند) و به پیامبرت تهمت زدند و با آیین تو مخالفت کرده و (مردم را) از (رهروی) راه تو باز داشتند . نسبت به نعمت های تو کفر ورزیده و سخن تو را بر تو بازگرداندند پیامبرت را ریش خند کردند و فرزند پیامبرت را کشتند . کتاب تو را تحریف کردند

و آیات تو را تکذیب و انکار کردند و استهزا نمودند و نشانه های تو را به ریش خند گرفتند و نسبت به پرستش تو تکبر ورزیدند . اولیاء تو را کشتند و در جایگاهی نشستند که سزاوار آنان نبود و مردم را بردوش های آل محمد علیهم الصلوات و السلام سوار کردند .

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضًا ، وَ احْشُرْهُمَا وَ اتَّبِعْهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقًا . اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ لَهُمَا (١) ، وَ الْبِرَاءَةِ مِنْهُمَا ، فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ . اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ قَتْلَةَ الْحَسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ ابْنِ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (٢) ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ .

---

١- البحار ١ : عَلَيْهِمَا .

٢- المصباح : بِنْتِ رَسُولِكَ .

خداوندا! آن دو شخص را لعنت کن ، لعنتی پی در پی ، و آنان و پیروان آنان را به سوی جهنم روان کن در حالی که کور باشند . خدایا ! همانا ما به درگاه تو تقرب می جوئیم به سبب و وسیله لعنت فرستادن بر آن دو و بیزاری جستن از ایشان در دنیا و آخرت . خداوندا ! بر کشنده امیرالمؤمنین لعنت فرست و کشنده امام حسین ، پسرعلی و فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله را لعنت کن .



اللَّهُمَّ زِدْهُمَا عَذَاباً فَوْقَ عَذَابِ (۱) ، وَ هَوَاناً فَوْقَ هَوَانٍ ، وَ ذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ ، وَ خِزْيًا فَوْقَ خِزْيٍ . اللَّهُمَّ دُعُهُمَا فِي النَّارِ (۲) دَعَاً ، وَ أَرْكَسَهُمَا فِي أَلِيمِ عَذَابِكَ رَكْسًا . اللَّهُمَّ احْشُرْهُمَا وَ اتَّبِعْهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا .

خداوندابر عذاب ، خواری ، خفت و رسوایی آنان ، عذاب ، خواری ، خفت و رسوایی دیگری بیفزا . خدایا ! آنان را به

سختی ویژه ای در آتش رانده و در عذاب دردناکت ، به شدت سرنگون فرما . خداوندا ! آن دو و پیروان آنان را دسته جمعی به سوی جهنم روان فرما .

---

۱- البحار : العذاب .

۲- البحار : إِلَى النَّارِ .

اللَّهُمَّ فَزِّقْ جَمْعَهُمْ ، وَ شَدِّتْ أَمْرَهُمْ ، وَ خَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ ، وَ يَدِّدْ جَمَاعَتَهُمْ ، وَ الْعَنْ أَيْمَتَهُمْ ، وَ اقْتُلْ قَادَتَهُمْ ، وَ سَادَتَهُمْ ، وَ كُبْرَاءَهُمْ ، وَ الْعَنْ رُؤَسَاءَهُمْ ، وَ اكْسِرْ رَايَتَهُمْ ، وَ أَلْقِ الْبَأْسَ بَيْنَهُمْ ، وَ لَا تُبْقِ مِنْهُمْ دِيَارًا .

خداوندا! جمع آنها را پراکنده و کار ایشان را از هم گسیخته گردان . اتحاد آنها را از بین ببر . جماعت آنها را متفرق و پیشوایان آنها را لعنت کن . سرکردگان ، برگزیدگان و بزرگان آنها را بکش و سران آنها را لعنت کن و شکوه

پرچم آنان را بشکن . اندوه و سختی را میان آنها قرار بده و یک نفر از آنها را باقی نگذار .

اللَّهُمَّ الْعَنِ أَبَا جَهْلٍ وَالْوَلِيدَ ، لَعْنَا يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضًا ، وَ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا . اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنَا يَلْعَنُهُمَا بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ ، وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ ، وَ كُلُّ مُؤْمِنٍ اِمْتَحَنَتْ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ . اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنَا يَتَّعَوِّذُ أَهْلُ النَّارِ مِنْهُ وَ مِنْ عَذَابِهِمَا . اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنَا لَمْ يَخْطُرْ (١)

لِلْأَحَدِ بِإِل . اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا فِي مُسْتَسِرِّ سِرِّكَ ، وَ ظَاهِرِ عَلَانِيَتِكَ ، وَ

عَذَّبُهُمَا عَذَابًا فِي التَّقْدِيرِ (وَ فَوْقَ التَّقْدِيرِ) (٢) ، وَ شَارِكِ مَعَهُمَا ابْنَتَيْهِمَا ، وَ أَشْيَاعَهُمَا ، وَ مُحِيطَيْهِمَا ، وَ مَنْ شَايَعَهُمَا ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ .

---

١- البحار : لا يَخْطُرُ .

٢- المصباح .

خداوندا! ابوجهل و ولید را لعنت کن ، لعنتی متداوم و پی در پی . خداوندا! آن دو نفر را لعنت کن لعنتی که به سبب آن ، هر فرشته □ مقرب و هر پیامبر فرستاده شده و هر مؤمنی که قلبش برای ایمان مورد سنجش قرار گرفته است ، آن دو نفر را لعنت کند . خدایا! آن دو را به لعنتی لعنت کن که اهل آتش از آن و از عذاب آن دو پناه می جویند . خدایا! آن دو را به لعنتی لعنت کن که به خاطر هیچ کس خطور نکرده باشد . خداوندا! آن دو را در پنهانی راز خود و در عیانی آشکار خود لعنت کن و آنها را به عذابی معذب فرما که در تقدیر (و بلکه فراتر از تقدیر) است . و با آنان شریک گردان دختران ، پیروان و دوست داران ایشان و نیز هر کسی را که از آنان پیروی کرد . همانا تو شنونده □ دعا هستی .

**بخش سوم: متن تلفیقی دعای صنمی قریش از مولی الموحدین امیرالمؤمنین (ع)**

این متن بنابر نقل کتاب رشح الولاة بوده و عبارت های مختلفی آن با سایر منابع دعا، در [ ] آورده می شود .

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ).

اللَّهُمَّ الْعَنْ صَيْنَمَى قُرَيْشٍ ، وَجَبْتِيهَا ، وَطَاعُوتِيهَا ، وَافْكِيهَا ، وَابْتِيهِمَا اللَّذَيْنِ خَالَفَا أَمْرَكَ ، وَانْكُرَا وَحْيَكَ ، وَجَعِدَا إِنْعَامَكَ [ آلاءَكَ ] ، وَعَصِيَا رَسُولَكَ ، وَقَلْبَا دِينَكَ ، وَحَرْفَا كِتَابَكَ ، وَعَطَّلَا أَحْكَامَكَ ، وَابْطَلَا فَرَائِضَكَ ، وَالْحِدَايَا يَاتِكَ ، وَعَادِيَا أَوْلِيَاءَكَ ، وَاحْبَا [ وَالْيَا ] أَعْدَاءَكَ ، وَخَرَّبَا بِلَادَكَ ، وَافْسَدَا عِبَادَكَ .

(خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست).

خدایا! لعنت کن دو بت قریش را و دو افسون گرامتجاوز و دروغ گوی آن (ابوبکر و عمر) و دختران آن ها (عایشه و حفصه) را. آن دو که با امر تو مخالفت کرده، وحی تو را انکار و نعمت هایت را که بخشیده بودی، انکار و تکذیب کردند. و پیامبرت را نافرمانی کردند و دین تو را (از حق به باطل) وارونه ساختند و کتاب تو را تحریف نمودند. احکام تو را وانهادند و آنچه واجب نمودی باطل کردند. و به آیات تو کفر ورزیده و با اولیای دشمنی کردند، دشمنانت را

دوست [ سرپرست ] گرفتند و شهرهای (دین) تو را ویران و بندگانت را تباه کردند.

اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمَا ، [ وَ أَنْصَارَهُمَا ] ، وَ اتَّبَاعَهُمَا ، وَ أَوْلِيَاءَهُمَا ، وَ أَشْيَاعَهُمَا ، وَ مُجِبِّيهِمَا . فَتَقَدَّ أَحْرَابًا بَيْتَ النَّبِيِّ ، وَ رَدَمَابَابَهُ ، وَ نَقَضَا سَقْفَهُ ، وَ أَحَقَّا سَيِّمَاءَهُ بِأَرْضِهِ ، وَ عَلِيَّهُ بِسَافِلِهِ ، وَ ظَاهِرَهُ بِبَاطِنِهِ ، وَ اسْتَأْصَلَا أَهْلَهُ ، وَ أَبَادَا أَنْصَارَهُ ، وَ قَتَلَا أَطْفَالَهُ ، وَ أَخَلِيَا مِئْبَرَهُ مِنْ وَصِيَّهِ ، وَ وَارِثَ عِلْمِهِ [ وَارِثِهِ ] ، وَ جَحَدَا إِمَامَتَهُ [ بُبُوَّتَهُ ] ، وَ أَشْرَكَا بِرَبِّهِمَا ، فَعَظَّمْ

ذُنُوبَهُمَا ، وَ خَلَّدَهُمَا فِي سَقَرٍ ، \* وَ مَا أَذْرَاكَ مَا سَقَرٌ لَا تُبْقَى وَلَا تَذُرُ \* . (١)

خدایا! لعنت کن آن دو (ابوبکر و عمر) و [ یاران ] و پیروان ، و سرپرست گیرندگان و رهروان و دوست داران آن دو را . به تحقیق خانه ی نبوت را ویران کرده و درب آن را بستند و بامش را ویران و آسمان و زمین آن و زیر و زبر و آشکار و نهان آن خانه را به هم پیوند داده و اهل آن را ریشه کن و یارانش را نابود کردند و کودکش را کشتند و منبرش را از جانشین و وارث علمش [ وارثش ] خالی کرده و امامت [ نبوت ] او را انکار کردند و به پروردگارشان شرک ورزیدند . پس گناهشان را بزرگ بشمار و در «سَيِّئَر» جاودانشان فرما . (که فرمودی) : و توجه می دانی «سَيِّئَر» چیست □ (آتشی که) نه چیزی باقی و نه کسی را رها کند .



اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ بِعِدَدِ كُلِّ مُنْكَرٍ آتَوْهُ ، وَ حَقِّ أَخْفَوُهُ ، وَ مِنْبِرٍ عَلَّوَهُ ، وَ مُؤْمِنٍ أَرْجَوُهُ [ آذَوْهُ ] ، وَ مُنَافِقٍ وَّلَّوَهُ ، وَ وَلِيٍّ آذَوْهُ ، وَ طَرِيدٍ آوَوْهُ ، وَ صَادِقٍ طَرَدُوهُ ، وَ كَافِرٍ نَصَبُوهُ ، وَ إِمَامٍ قَهَرُوهُ ، وَ فَرَضٍ غَيَّرُوهُ ، وَ آثَرَ أَنْكَرُوهُ ، وَ شَرًّا آثَرُوهُ [ أَضْمَرُوهُ ] ، وَ دَمٍ أَرَأَقُوهُ ، وَ أَمْرٍ (خَبِرٍ) [ خَيْرٍ ] بَدَّلُوهُ ، وَ كُفْرٍ نَصَبُوهُ [ أَبْدَعُوهُ ] ، وَ حُكْمٍ قَلَّبُوهُ [ قَلَّبُوهُ ] ، [ وَ كَذِبٍ دَلَّسُوهُ ] ، (وَظَلَمٍ نَشَرُوهُ) .

خدایا! ایشان را لعنت کن به تعداد تمام کارهای ناپسندی که آوردند و هر حقی که نهان داشتند و هر منبری که (به ناحق) بالا رفتند و هر مؤمن که وانهادند [آزردند] و هر منافقی که او را ولایت دادند و هر ولی ای که آزردند و هر رانده شده ای که بازگردانده و هر راستگویی که راندند و هر کافری که یاری کرده و هر امامی که ناکام و خوار کردند و هر واجبی که تغییر دادند و هر اثری که انکار نمودند (درباره ی آن خود را به بی اطلاعی زدند) و هر شری که اختیار [پنهان] کردند و هر خونی که (به ناحق) ریختند و هر [خبر - خیری] که تغییر و هر کفری که قرار دادند [ایجاد کردند] و هر حکمی که وارونه کردند [و هر دروغی که حقیقتش را نهان کرده] (و هر ستمی که گسترده) ،

وَ إِزْثِ غَصِيْبُوهُ ، وَ فَنِيْ اِقْتِطَعُوهُ ، وَ سِيْحَتِ اَكْلُوهُ ، وَ خُمْسِ اسِيْتَحْلُوهُ ، وَ باطِلِ اَسْسُوهُ ، وَ جَوْرِ بَسِيْطُوهُ ، وَ نِفَاقِ اَسِيْرُوهُ ، وَ غَدْرِ اَضْمَرُوهُ ، وَ ظَلَمٍ [ ظَلٍ ] نَشَرُوهُ ، وَ وَعِيْدِ اَخْلَفُوهُ ، وَ اَمَانِ خَانُوهُ ، (وَ اِمَامِ حَارِبُوهُ) ، وَ عَهْدِ نَقَضُوهُ ، وَ حَلَالِ حَرَمُوهُ ، وَ حَرَامِ اَحْلُوهُ [ حَلَلُوهُ ] ، [ وَ نِفَاقِ اَسِيْرُوهُ ، وَ غَدْرِ اَضْمَرُوهُ ] ، وَ بَطْنِ فَتَقُوهُ ، وَ جَنِيْنِ اسْقَطُوهُ ، وَ ضَلَعِ دَقُوهُ [ كَسَرُوهُ ] ، وَ صَكِّ مَزَقُوهُ ، وَ شَمَلِ بَدَدُوهُ ، وَ عَزِيْزِ اَذَلُوهُ ، وَ ذَلِيْلِ اَعَزُوهُ ، وَ حَقِّ مَنَعُوهُ ، (وَ اِمَامِ خَالَفُوهُ) .

و ارثی که به ناحق تصرف کردند و سهمی که از صاحبش منع و هر مال حرامی که خوردند و سهم خمسی که (برای خود) حلال شمردند و هر باطلی که بنا کرده و هر ستم که گسترده کردند و هر نفاقی که نهان کرده و هر حيله که پنهان کردند . و هر ظلم [ تاریکی ] که گسترده کرده و هر وعده که وفا نکرده و هر امانت که بدان خیانت کردند هر امامی که با او جنگیدند و هر پیمان که شکستند و هر حلالی که حرام و هر حرامی که حلال کردند [ و هر نفاقی که پنهان و هر نیرنگ که نهان کردند ] و شکمی که پاره کردند و جنینی که او را سقط کردند و پهلویی که شکستند و سندی که پاره کردند و جمعی که پراکنده کردند و عزیزی که خوار نمودند و ذلیلی که عزیزش کردند . و حقی که آن را (از صاحبش) بازداشته و امامی که با او مخالفت کردند .

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ بِعَدَدِ كُلِّ [بِكُلِّ] آيَةٍ حَرَّفُوهَا ، وَفَرِيضَةٍ تَرَكُوهَا ، وَسُنَّةٍ غَيَّرُوهَا ، وَأَحْكَامٍ عَطَّلُوهَا ، وَرُسُومٍ قَطَعُوهَا [مَنْعُوهَا] ، وَ  
 إِيمَانٍ جَحَدُوهَا ، وَوَصِيَّةٍ ضَيَّعُوهَا ، وَبَيْعَةٍ نَكَّثُوهَا ، [وَأَرْحَامٍ قَطَعُوهَا] ، وَشَهَادَةٍ كَتَمُوهَا ، وَدَعْوَى أَبْطَلُوهَا ، وَبَيْتَةٍ أَنْكَرُوهَا وَ  
 حِيلَةٍ أَحَدْتُوهَا ، وَخِيَانَةٍ أَوْرَدُوهَا ، وَآمَانَةٍ خَانُوهَا ، وَعَقَبَةٍ ارْتَقَوْهَا ، وَدِبَابٍ دَحْرَجُوهَا ، وَأَزْيَافٍ لَزِمُوهَا .

خدایا! آن دو را به تعداد تمام آیاتی که تحریف کردند لعنت کن و به تعداد تمام واجب هایی که ترک کردند و سنت هایی که تغییر داده و احکامی که کنار نهادند و سهم هایی که از صاحبش بازداشتند و پیمان هایی که تکذیب و انکار کردند و وصیتی که آن را تباه ساختند (نادیده گرفتند و بدان عمل نکردند). و بیعتی که شکستند [ و ارحامی که قطع کردند ] و شهادت هایی که پنهان داشتند و ادعاهای حقی که باطل کرده و دلایل آشکاری که انکار کردند و هر تصرفی که (حق انجام آن را نداشتند امّا به ناحق) انجام دادند. و خیانت هایی که مرتکب شده و امانت هایی که به آن خیانت کردند. و گردنه هایی که (برای کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله) از آن ها بالا رفتند. و پیمانه هایی که وارونه کرده و نیرنگ هایی که بدان ملترم بودند.

اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ فِي مُسْتَسَرِّ [ مَكْنُونٍ ] السِّرِّ ، وَ ظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ لَعْنَا كَثِيرًا أَبَدًا ، دَائِمًا دَائِبًا سِرْمَدًا ، لَأَ انْقِطَاعَ لِيَدِهِ (لَعِيدِهِ) ، وَ لَا نَفَادَ لَعِيدِهِ (لَأَمِيدِهِ) ، لَعْنَا لَا يَعُودُ (يَعُدُّو) أَوْلَهُ ، وَ لَا يَنْقَطِعُ (لَا يَرْوَحُ) آخِرُهُ ، لَهُمْ ، وَ لِنَصَارِهِمْ ، وَ أَعْوَانِهِمْ ، وَ مُحِبِّيهِمْ ، وَ مَوَالِيهِمْ ، وَ الْمَسْلُومِينَ لَهُمْ ، وَ الْمَائِلِينَ إِلَيْهِمْ ، وَ النَّاهِضِينَ بِأَجْنِحَتِهِمْ (بِأَحْتِجَاجِهِمْ) ، وَ الْمُعْتَقِدِينَ بِمَوَدَّتِهِمْ ، [ وَ الْمُعْتَدِينَ بِهَيْدِيهِمْ ] ، وَ الْمُصَدِّقِينَ بِأَجَابَتِهِمْ ، (وَ الْمُعْتَدِينَ بِكَلَامِهِمْ بِمَوَدَّتِهِمْ) وَ الْمُصَدِّقِينَ بِأَحْكَامِهِمْ ، [ وَ الْمُقْتَدِينَ بِكَلَامِهِمْ ] .

خداوندا! آنان را لعنت کن در پنهانی راز و در آشکاری عیان . لعنتی بسیار زیاد ، همیشگی ، پیوسته ، پیایی و جاوید . که نه زمان آن تمام شود و نه تعدادش . لعنتی که ابتدای آن بازنگردد (بامداد باشد) و پایان آن ، به انجام نرسد . که برای آنان باشد و برای یاران و یاوران ، دوستداران و پیروان آنان ، و برای کسانی که در برابر ایشان ، تسلیم هستند و آنان که به سوی ایشان ، مایل هستند . و برای کسانی که به یاری (و دلالت) آنان به پا خواسته و کسانی که دوستی آنان را باور دارند [ و کسانی که کاملاً رهروی آنان هستند ] و کسانی که اجابت کردن آنان را تصدیق می کنند و کسانی که (کلام - دوستی) آنان را باور دارند و کسانی که احکام (باطل) آنان را تصدیق می کنند [ و آنان که از کلام ایشان ، پیروی می کنند ] .

سپس چهار مرتبه می گوید :



اللَّهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذَاباً (أليماً) يَسْتَعِثُّ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ (فِي النَّارِ) .

بارالها ! آنان را به عذابى (دردناك) معذب فرما ، كه اهل آتش (در آتش) از آن امان مى خواهند .

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

ملتمس دعا

عبدالزھراء (عليها السلام) حيدر

والسلام على من اتبع الهدى

**کتاب نامه**

قرآن كريم ، الله تبارك و تعالى .

أعلام النساء ، عمر رضا كخاله .

أعيان الشيعة ، سيد محسن امين عاملى .

أنساب الأشراف ، بلاذرى .

إختيار معرفه الرجال ، محمد بن عمر كشى .

الدّرّ النّظيم ، ابن حاتم عاملى .

الصّراط المستقيم ، على بن يونس نباطى بياضى .

الشّافى فى الإمامه ، سيد مرتضى علم الهدى .

النّصّ على أميرالمؤمنين ( عليه السلام ) ، سيد على عاشور .

السّقيفه وفدك ، جوهرى .

الإمامه والسياسه ، ابن قتيبه دينورى .

الرسائل السياسيّه ، جاحظ .

البلد الأمين ، شيخ ابراهيم بن عليّ عاملي كفعمي .

التعليقه عليّ المكاسب ، سيد مجاهد عبدالحسين لاري .

الذريعه ، شيخ آقابرگ تهراني .

الغدير ، علامه شيخ عبد الحسين اميني .

الغيبه ، شيخ ابو جعفر محمّد طوسي .

الكافي ، ابو جعفر محمّد بن يعقوب كليني .

المحاسن ، احمد بن محمّد بن خالد برقي .

المحتضر ، شيخ حسن بن سليمان حلّي .

المصباح ، شيخ ابراهيم بن عليّ عاملي كفعمي .

الوافي ، ملا محمّد محسن فيض كاشاني .

الهجوم عليّ بيت فاطمه عليها السلام ، عبد الزهراء مهدي .

بحار الأنوار ، ملا محمّد باقر مجلسي دوم .

بشارهاالمصطفى ، عماد الدين طبرى .

بصائرالدرجات ، محمد بن حسن صفار .

تأويل الآيات الظاهرة ، سيد شرف الدين حسيني استرآبادى .

ترجمه فرحه الغرى ، علامه ملا محمد باقر مجلسى دوم .

تفسير ، على بن ابراهيم قمى .

تفسير ، محمد بن مسعود عياشى .

تقريب المعارف ، شيخ ابوصلاح حلبى .

تلخيص الشافى ، شيخ محمد بن حسن طوسى .

جامع أحاديث الشيعة ، به إشراف آيةالله بروجردى رحمه الله عليه .

دقائق التأويل و حقائق التنزيل ، حسنى ابوالمكارم محمودبن محمد .

دلائل الإمامه ، محمد بن جرير طبرى شيعى .

- رشرح الولاء فى شرح الدعاء ، شيخ ابوالسعادات اسعد بن عبدقاهر بن اسعد اصفهانى .
- روضهالمتقين ، ملامحمدتقى مجلسى اول .
- شاخه طوبى ، ميرزا حسين نورى طبرى .
- شرح إحقاق الحق ، آيهالله مرعى نجفى رحمه الله عليه .
- شرح نهج البلاغه ، ابن أبى الحديد .
- شهاب ثاقب ، ملا مهدى نراقى .
- علم اليقين فى اصول الدين ، ملامحمد محسن فىض كاشانى .
- عوامل العلوم ، شيخ عبد الله بقرانى اصفهانى .
- فضائل اهل بيت رسول صلى الله عليه و آله و مناقب اولاد بتول ( عليه السلام ) ، عمادالدين حسن بن على طبرى .
- قره العيون ، ملا محمد محسن فىض كاشانى .
- كتاب الأربعين ، ملامحمدطاهر قمى .

كتاب الصّلاه ، شيخ انصارى .

لوامع صاحبقرانى ، ملا محمد تقى مجلسى اول .

مأساه الزّهراء عليها السلام ، سيّد جعفر مرتضى عاملى .

مجمع الثّورين ، شيخ أبوالحسن مرندى .

مستدرک الوسائل ، ميرزا حسين نورى طبرسى .

مشكاهالأنوار ، ابوالفضل على بن حسن طبرسى .

مناقب آل أبى طالب عليهم السلام ، محمد بن شهر آشوب مازندرانى .

مناقب أهل البيت عليهم السلام ، مولى حيدر شيروانى .

موسوعهشهادهاالمعصومين عليهم السلام ، مؤسسها امام محمد باقر ( عليه السلام ) .

منهاج البراعه ، ميرزا حبيب الله خويى .

مهج الدّعوات ، سيّد على بن طاووس .

نوادر الأخبار ، ملا محمد محسن فيض كاشاني .

نورالبراهين ، سيد جليل نعمهالله جزائري .

وسائل الشيعة ، محمد بن حسن حرّ عاملي .

## فهرست مطالب

پیشگفتار : تبری و لعن از دیدگاه قرآن و عترت ..... ۳

بخش اول : وجوب براءت ..... ۱۳

بیزاری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام از توحید است ..... ۱۳

ابوبکر و عمر کافرند و ..... ۱۳

ولی معصوم امر به بیزاری جستن از آن دو می کند .. ۱۵

کوتاهی در لعن دشمنان اهل بیت علیهم السلام ، موجب لعنت خداست ..... ۱۶

جبت و طاغوت ، چه کسانی هستند؟ ..... ۱۶

ابوبکر و عمر و عثمان یعنی : مظاهر و اساس و ... کفر ، فسوق ، عصیان ، فحشاء ، منکر ، بغی و آنچه حرام است ..... ۱۸

۱۸

آزاردهندگان فاطمه ، آزاردهندگان خدا و رسول اند .. ۲۱

لعنت خدا بر آزار دهندگان خدا و رسول ..... ۲۳

اعتراف عمر به جنایات ..... ۲۴

نفرین حضرت فاطمه علیها السلام ..... ۲۸



بخش دوم : وجوه اعتبار دعای صنمی قریش . ۳۱

منابع دعای شریف صنمی قریش ..... ۳۲

مؤلف کتاب «شرح الولاء فی شرح الدعاء» ..... ۳۲

اعتبار و فضیلت دعای شریف صنمی قریش ... ۳۳

صحیح بودن روایات (سندهای) دعای شریف صنمی قریش ..... ۳۶

شرح های دعای شریف صنمی قریش .... ۳۷

برخی دیگر از منابع در دسترس دعای شریف صنمی قریش . ۴۰

دعای امام صادق علیه السلام در تعقیب نماز ..... ۵۵

دعای امام رضا علیه السلام در سجده شکر ..... ۶۴

بخش سوم : متنتلفیقیدعایصنمبقریشازمولیالموحدین امیرالمؤمنین ( علیه السلام ) ... ۷۲

کتاب نامه ..... ۸۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

